

فهم تجربه پیادهروی زنان ایرانی در اربعین

محمدتقی کرمی^۱

چکیده

پیادهروی اربعین در شکل کنونی‌اش، آیینی نوظهور و پدیده اجتماعی متکثری است. تکرار این پدیده اجتماعی ریشه در گوناگونی روایت‌های زائران و معناهای متنوعی دارد که افراد از این پدیده می‌سازند. روایت زنانه سنخی از روایت‌های موجود از این آیین است که در عین برخورداری از تکرار در معناسازی، روایتی طرد شده و به حاشیه رانده شده توسط کلان‌روایت‌های رسمی و مردانه از این آیین است. پژوهش پیش‌رو، با هدف فهم تجربه زنان زائر، یافته‌های به‌دست آمده از گفت‌وگوهای نیم‌ساخت یافته عمیق با ۲۵ زن ۲۲-۶۸ ساله در موب‌های مسیر پیادهروی را به روش تحلیل مضمونی مورد مطالعه قرار داده است. مطالعه یافته‌ها نشان می‌دهد که زن زائر ذیل پنج مضمون ملال روزمره و رهایی از دلزدگی‌های زندگی مدرن، لذت رنج مقدس و خودخواسته، حافظه تاریخی جنگ و سیالیت معنای بدن، از سوژگی زنانه در تاریخ تا گذر از ابژگی روزمره و اشراق معنوی زائر و تغییر رفتار از خودخواهانه و عادت‌ی به دگرخواهانه، در فرایند سوژگی زنانه به ساخت خود فردی‌اش در قالب فردیتی چندپاره می‌پردازد. زن زائر با شبیه‌سازی تجربه خود در راهپیمایی اربعین با رویداد مصیبت‌بار عاشورا و وقایع پس از آن، در فرایند دوگانه ساخت‌شکنی / ساخت دوباره خود، با بازاندیشی انتقادی از استریوتیپ‌های جنسیتی برساخت شده در گفتمان رسمی جامعه ایرانی، خود زنانه‌اش را در قالب تصویر سوژه‌ای فعال باز می‌نماید.

کلید واژه: فردیت، ساخت خود، جنسیت، تجربه، پیادهروی اربعین، زائر زن ایرانی.

Comprehension of Iranian Women's Experience of Arbaeen Foot Pilgrimage

Abstract

Arbaeen walk in its current form is a novel ritual and diverse social phenomenon. The diversity comes from the multiplicity of pilgrims' narratives and the variety of meanings people attach to it. The feminine narrative of Arbaeen walk, despite all its diverse meanings, is neglected and marginalized by the formal, masculine meta-narrative. The present research aims at comprehending women's foot pilgrimage experience through the thematic analysis of in-depth, semi structured interviews with 25 women aged between 22-68 made in the camps (moukeb) of the pilgrimage route. The findings show that as part of the feminine subjectivity, the female pilgrim constructs her self as a fragmented identity in form of five major themes: fatigue of everyday life and ridding of modern life monotony; gratification of self-imposed, sanctified pain; memory of war and the fluid meaning of body; historical feminine subjectivity averting everyday life objectivity; and spiritual illumination in moving from egoistic, habitual behavior to altruism. The female pilgrim re-presents her self as an active subject by assimilating her experience of Arbaeen walk to the Ashoura agony and its aftermath incidents, thereby deconstructing and re-constructing her self through critical reflexivity on gendered stereotypes constructed in the formal discourse of Iranian society .

Keywords: individuality, constructing self, gender, experience, Arbaeen walk, Iranian female pilgrim

مقدمه

شاکله حیات اجتماعی سیاسی تشیع بر اساس حرکتی برخلاف هژمونی سیاسی غالب شکل گرفته است. در میان وقایع موجود در حافظه تاریخی شیعه، واقعه عاشورا، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت شیعی داشته است. برگزاری آیین‌های عاشورایی، رابطه تاریخی تنگاتنگی با موجودیت شیعه و هویت‌یابی آن، به عنوان یک اقلیت مذهبی مسلمان و همیشه در حاشیه و طرد شده داشته و همچنین، به عنوان یکی از نشانه‌های بارز ظلم تاریخی به امامان شیعه و پیروان آن‌ها کارکرد نمایشی خاصی داشته است. این در حالی است که شرایط کنونی جهان اسلام، به ویژه وضعیت خاورمیانه و شیعیان، شور عاطفی همچنان زنده، و پویایی خاصی را به این آیین‌ها می‌بخشد. به طور کلی، هم تأثر عاطفی برآمده از مصیبت‌بار بودن واقعه عاشورا، هم سفارش‌های مذهبی مبنی بر زنده نگاه داشتن این رویداد و هم کارکرد بازتولید، بازسازی و بازنمایی ظلم تاریخی به اقلیت شیعه در حاشیه از سوی اکثریت حاکم، در زنده نگاه داشتن و برگزاری آیین‌های عاشورایی نقش مهمی داشته‌اند.

در ادبیات دینی تشیع، زیارت اربعین جایگاه ویژه‌ای در زنده نگاه داشتن واقعه عاشورا دارد. در رابطه با اهمیت زیارت اربعین، ادبیات دینی، تاریخی و الهیاتی غنی وجود دارد که بیشتر به اهمیت و جایگاه اربعین و زیارت امام حسین (ع) پرداخته‌اند (Sheikh-e Toussi, 1987 & Ojaghloo, 2018 & Bayat, 2018 & Tavakoli, 2018 & Sobhani nia, 2005 & Ranjbar, 2005 & Fazel, 2007 & Jafarian, 2009 & Hamedani, 2008 & Javadi Amoli, 2010 & Paknia, 2004 and 2009). بررسی این آثار نشان می‌دهد که این آیین، آیینی فردی بوده و برگزاری آیین اربعین، در قالب پیاده‌روی و منسکی جمعی، به صورتی که در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود، نه تنها پدیده‌ای نوظهور و فاقد ریشه و پیشینه تاریخی در تشیع، بلکه بیشتر آیینی شیعی-عراقی (Heydari, 2002) و نه شیعی-ایرانی است که در همراهی با علمای دینی انجام می‌شده است.

بر اساس آمار موجود در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶)، ۱۳ میلیون نفر زائر در مراسم اربعین شرکت

کرده اند^۱ و شمار شرکت کنندگان ایرانی، بر اساس اطلاعات خبرگزاری ایسنا، از ۴۸۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۲ به ۲،۳۴۶،۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده است.^۲ بزرگی اجتماع زائران در پیاده روی اربعین به اندازه ای است که آن را حتی به عنوان بزرگترین اجتماع سالیانه افراد در یک محل در جهان دانسته اند که از ملیت های گوناگون و با اکثریت عراقی و ایرانی تشکیل شده است. (Moufahim, 2013: 441-421). هرچند آماری از تعداد شرکت کنندگان در مراسم اربعین به تفکیک جنسیت در دست نیست، اما مشاهدات نشان می دهد که زنان حضور به نسبت پررنگی این مراسم دارند؛ با این حال بیش از کمیت حضور کیفیت حضور زنان زائر در این مراسم قابل توجه است.

مشاهدات تجربی نشان می دهد که در سال های ابتدایی آیین پیاده روی اربعین بیشتر با حضور مردان برگزار می شده است و زنان عمدتاً به دلایل امنیتی کمتر در این آیین شرکت می کردند. اما هم زمان با افزایش امنیت در عراق و به ویژه با کمرنگ شدن حضور داعش، همچنان که جمعیت زائران ایرانی در پیاده روی اربعین افزایش یافت، بر تعداد زنان شرکت کننده در این مراسم نیز افزوده شد. به طوری که این تحولات ترکیب جمعیتی در مراسم اربعین با افزایش شمار زنان حاضر در این مراسم در سال های اخیر نکته قابل مطالعه ای است. در واقع، هرچند به مانند دیگر آیین های مذهبی، به ویژه عاشورایی، در نگاه نخست به نظر می رسد مراسم اربعین هم نمودی مردانه دارد، اما در نگاهی عمیق تر به این میدان آنچه جالب توجه است حضور کنشگران زن و تعریف بازی ها و عرصه های حضور زنانه توسط زنان زائر است. بنابراین، زنان نه تنها از نظر کمیت حضور در این مراسم رو به افزایش هستند، بلکه کیفیت حضور آن ها با تعریف میدان های خاص خود همراه است.

اما حضور زنان در آیین پیاده روی اربعین و جنبه های زنانه یافتن این آیین از دو منظر پرسش برانگیز است؛ نخست در بازگشت به حافظه تاریخی ایرانیان از جنگ میان دو کشور و به ویژه خاطره یا بر ساخت خاطره تعدی سربازان عراقی به زنان ایرانی در مناطق اشغال شده

1 [https://fa.alalamtv.net/news/3141436/\(۱۳۹۹/۱۱/۹\)](https://fa.alalamtv.net/news/3141436/(۱۳۹۹/۱۱/۹))

2 [https://www.isna.ir/news/97081205810/\(۱۳۹۹/۱۱/۹\)](https://www.isna.ir/news/97081205810/(۱۳۹۹/۱۱/۹))

و دوم، حضور زنان در این مراسم با وجود حافظه تاریخی از رویدادهای ناخوشایند در جریان جنگ میان دو کشور. شاید نخستین نشانه بازشناسانده عراق و عراقی در میان ذهنیت غالب جامعه ایرانی خاطره جنگ و وقایع مربوط به آن در دوره هشت ساله جنگ میان دو کشور باشد. پرداختن به حافظه تاریخی ایرانیان از جنگ و به ویژه موضوع تعدی و تجاوز سربازان عراقی به زنان ایرانی در شهرهای اشغال شده و اینکه نقش و سهم واقعیت رخ داده و بر ساخت شده در این میان ذهنیت تا چه اندازه است از موضوع این پژوهش بیرون است؛ اما مهم متأثر شدن تجربه زائران زن در پیاده روی اربعین از این میان ذهنیت است. در واقع، انتظار آن است که حافظه تاریخی زنانه از جنگ با وجود غلبه گفتمان رسمی و مردانه، کمیت و کیفیت حضور زنان زائر ایرانی را در مراسم اربعین متأثر سازد؛ اما در واقعیت قابل مشاهده، زنان زائر میدان‌های حضور و کنشگری زنانه خود در این آیین را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که کمترین تأثیر را از این میان ذهنیت غالب را بپذیرد.

دومین چشم‌اندازی که حضور زنان در این آیین را به موضوعی جالب برای مطالعه جامعه‌شناختی بدل می‌کند، قالب و شکل حضور آن‌ها است. راه‌اندازی و تشکیل گروه‌های زنانه از دوستان، اقوام و بستگان، همکاران، زنان هم‌محله‌ای و همسایه و هم‌شهری، سفر به صورت انفرادی و مستقل یا همراه با همسر و گروه خانوادگی شکل‌های حضور زنان در زیارت پیاده اربعین هستند. در واقع، فقدان و غیبت حضور مردان و ترجیح برخی از زنان برای انجام سفر انفرادی و یا به‌طور کلی، مستقل از خانواده و مردان خانواده، نکته قابل توجه در شکل سفر زنان زائر ایرانی در اربعین است که در بازگشت به حافظه تاریخی ایرانیان در رابطه با جنگ هشت ساله شکل حضور ایشان را با پرسش‌های جدی روبه‌رو می‌سازد.

پژوهش‌های انجام گرفته با موضوع زیارت پیاده اربعین نشان می‌دهد که شاید یکی از مهمترین دلیل عدم شکل‌گیری ادبیات علمی پژوهشی قابل توجه با محوریت این موضوع، نوظهور بودن این پدیده اجتماعی است. مطالعه آثار موجود نشان می‌دهد که بیشترین حجم ادبیات نظری با موضوع پیاده‌روی اربعین، یا نوشتارهایی با رویکرد ترویجی-تبلیغی و یا از

جنس سفرنامه نویسی و آثار ادبی-هنری هستند و به طور کلی، وجهی توصیفی و به ندرت تحلیلی-تفسیری دارند. در رابطه با پژوهش های انجام شده در حوزه جامعه شناختی، به طور ویژه، آثار بیشتر از وجهی ساختاری و کلان به تحلیل و تبیین این پدیده پرداخته و کمتر دارای وجهی تفسیری و کنشگر محور هستند. به گفته دیگر، پژوهش های جامعه شناختی کمتر از منظر تفسیر و فهم معنای تجربه زائر به عنوان سوژه بازاندیش از واقعیت اجتماعی زیارت پیاده اربعین به آن پرداخته اند. دیگر نکته مهم و قابل توجه در رابطه با این پژوهش ها علاوه بر کلان روایت بودن آن ها، مردانه بودن روایت ها و به حاشیه رفتن صدا و روایت زنانه از این واقعیت اجتماعی مهم شیعی است.

در مقایسه با پژوهش پیش رو، بررسی آثار پژوهشی منتشر شده تا انتهای سال ۱۳۹۸ نشان می دهد پژوهشی به طور مستقل به بررسی تجربه زائران زن ایرانی از حضور در زیارت پیاده اربعین نپرداخته و حتی در پژوهش هایی که جمعیت مورد پژوهش دربرگیرنده زنان نیز بوده است، صدای زنان کمتر شنیده شده و به خاص بودگی های تجربه ایشان پرداخته نشده است. درواقع، در این میدان پژوهش نیز همچون دیگر حوزه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، روایت غالب روایتی مردانه و مبتنی بر کلان روایت ها است و روایت زنانه یا در آن جایی ندارد یا حاشیه ای بر متن اصلی است. به این فقدان همچنین، باید این نکته را افزود که تحلیل های انجام شده با موضوع زیارت پیاده اربعین، بیش از آنکه برآمده از میدان پژوهش و تفاسیر و روایت های زائران باشد، بیشتر بیرون از میدان و بر پایه پیش فرض های نظری جامعه شناختی، فلسفی و ایدئولوژیک بوده است. بنابراین، انجام پژوهشی با موضوع پیاده روی اربعین به عنوان یک پدیده اجتماعی نوظهور با فرارفتن از پیش فرض ها و نظریه های پیشینی و با نزدیک شدن به میدان پژوهش و فهم این تجربه از منظر کنشگران زن ضروری به نظر می رسد.

معنا و تعلق در قاب باورها، آیین ها، تجارب و همچنین اجتماعات دینی مهمترین ابعاد برساننده یک واقعیت دینی است که کنشگر در مواجهه اجتماعی و در مسیر بر ساخت

واقعیت به کار می‌گیرد. از این رو، معنا و تفسیرهای انجام شده توسط کنشگران یک اجتماع دینی می‌تواند نقطه آغاز فهم یک پدیده اجتماعی باشد؛ چرا که هریک از افراد با علایق، انگیزه‌ها و هدف‌های گوناگونی وارد میدان کنش و تجربه شده‌اند. بر این اساس، هدف این تحقیق، اکتشاف و فهم معنایی است که زائر زن به تجربه خود از پیاده‌روی اربعین به عنوان یک پدیده اجتماعی می‌دهد. اکتشاف به معنای شناسایی و توصیف پدیده اجتماعی و همچنین، تلاش برای فهم دلایل انجام کنش اجتماعی توسط فرد به مثابه کنشگر است (Blaikie, 2011 : 101-102). با تأکید بر تکرار معنا و تجربه زائران به عنوان سوژه‌های بازاندیش از پدیده زیارت اربعین، پرسش‌های این پژوهش در دو قالب اکتشافی و تفهیمی طراحی شده است که در اولی به چستی تجربه پیاده‌روی اربعین و در دومی، به چرایی این تجربه، با تأکید بر چرایی دلایل و انگیزه‌های افراد پرداخته می‌شود. بنابراین پرسش‌های این پژوهش با هدف شناخت لایه‌های ذهنی و معنایی تجربه زائر زن ایرانی در پیاده‌روی اربعین، عبارت‌اند از:

۱- تجربه زن زائر ایرانی از پدیده پیاده‌روی اربعین چیست و چگونه تجربه خود را معنا و تفسیر می‌کند؟

۲- زن زائر چه تفسیری از خود زنانه‌اش در زیارت پیاده‌روی اربعین دارد و این تجربه چه تغییری در فهم فرد از خود زنانه‌اش ایجاد می‌کند؟

چارچوب مفهومی این پژوهش از مفاهیمی چون تجربه اجتماعی^۱، بازاندیشی^۲ و خستگی خود بودن^۳ تشکیل شده است. تجربه اجتماعی به معنای قرار گرفتن فرد در موقعیت و جایگاه آزمون^۴ و آزموده شدن است. فرد در موقعیت آزمون به چانه‌زنی و پیدا کردن راه‌حل‌های نوآورانه و ساماندهی کنش‌های خود می‌پردازد. در واقع، آزمون به مثابه موقعیت ساخت تجربه اجتماعی، به موقعیت‌های اجتماعی گوناگونی گفته می‌شود که فرد با قرارگیری در

1 Social Experience

2 Reflexivity

3 The fatigue of being onself

4 Trial

آن‌ها در فرایند تجربه اجتماعی به کار روی خود می‌پردازد. فرد با قرارگیری در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون و در فرایند تجربه اجتماعی، دچار رنج و آسیب ذهنی شده و به واسطه این رنج و آسیب، تلاش می‌کند تا توانایی‌های خود را برای رویارویی با شرایط و موقعیت‌های گوناگون بالا ببرد (Martuccelli and De Singly, 2012: 73-80). نکته قابل توجه آن است که موقعیت آزمون و ساخت تجربه اجتماعی برای نه در تعریف مسئله و نه در یافتن راه حل، بر اساس داستانی از پیش تعریف و طراحی شده نبوده و فرد به صورت کاملاً سازگار با هنجارهای اجتماعی موجود عمل نمی‌کند. تجربه اجتماعی در قالب رفتارهای فردی و یا جمعی نمود می‌یابد و از مؤلفه‌های ناهمگون^۱ یا نامجانس ساخته شده و بنابراین، معنای عملی (پراتیک) تجربه اجتماعی، می‌بایست در همین عدم تجانس فهم شود. تجربه اجتماعی دارای سه مؤلفه ادغام^۲، راهبرد^۳ و ذهنیت‌سازی^۴ است. به طور کلی، در تجربه اجتماعی، فرد بر اساس منافع و علایق فردی، با طراحی کنش‌های اجتماعی خود بر اساس محاسبه‌های عقلانی، تلاش می‌کند تا در فاصله‌گیری انتقادی از جامعه و هنجارها و قراردادهای اجتماعی به مثابه نظام سلطه، به بیشترین ادغام ذهنی با زیست جهان اجتماعی خود دست یابد. بنابراین، روایت فرد از تجربه اجتماعی و منطق انجام کنش توسط کشگر دربرگیرنده انگیزه‌ها، دلایل، توضیح‌ها و توجیه‌ها و همچنین، چارچوب‌های هنجارمندی است که به ذهنیت‌ها و شیوه‌های قضاوت فرد در مورد خود، دیگری‌ها و زیست جهان اجتماعی شکل می‌دهد (Dubet, 1994: 15 and 135-137 and 330). اما مفهوم آزمون به عنوان یک مفهوم تحلیلی، رابطه تنگاتنگی با روایت فرد از تجربه‌اش از قرارگیری در موقعیت‌های گوناگون در زندگی روزمره و در رویارویی با عدم وجود راه حل‌های قطعی، عدم قطعیت‌ها و بی‌ثباتی‌ها دارد؛ موقعیتی که با دچار کردن فرد به ابهام، تنش و تضادهای درونی و بیرونی او را در شرایط آسیب و رنج قرار می‌دهد. فرد در دوره معاصر در مقایسه با

1 Heterogeneity

2 Integration

3 Strategy

4 Subjectivation

گذشته در موقعیت‌های آزمون متنوع‌تر و متکثرتری قرار می‌گیرد و برای گذر از این آزمون‌ها باید به‌طور پیوسته خود را در فرایند یادگیری و پیشرفت قرار داده و مهارت‌ها و توانایی‌های خود را با نیازهای در حال تغییر سازگار کند. درواقع، فرد برای موفقیت در آزمون‌های متنوع در زندگی روزمره‌اش خواه در موقعیت‌های خانوادگی، خواه شغلی یا حرفه‌ای و اجتماعی، نیاز به مهارت‌هایی متناسب با طراحی راهبردهای ذهنی و راهکارهای عملی جدید و نوآورانه دارد. تجربه زندگی فرد در دوره کنونی قرار گرفتن در فرایند تمام ناشدنی از تصمیم‌گیری و انتخاب‌های پیوسته است که بخشی از آن، بازگشت نتیجه انتخاب‌های فرد در مرحله‌های پیشینی به سوی خود فرد است.

بازاندیشی دیگر مفهوم مهم در فهم تجربه زن زائر ایرانی که در ارتباط با دو مفهوم سوژه‌ی^۱ بازاندیش و کار روی خود^۲ فهمیده می‌شود. بازاندیشی به اصلاح و بازسنجی^۳ پیوسته افکار، کنش‌ها و عملکردهای فرد در پرتو آگاهی‌های تازه گفته می‌شود و تبدیل فرد به سوژه اجتماعی ثمره بازاندیشی است. سوژه در تمایز با دو مفهوم عامل^۴ و کنشگر^۵، به واسطه توانایی فرد در فاصله‌گیری^۶ انتقادی از خود فردی، نقش‌ها و زیست جهان اجتماعی‌اش و در نتیجه، تمایل به ساخت زندگی خود و داوری در مورد آن تعریف می‌شود (Bertucci, 2009). ساخت و قوام یافتن سوژه در فرایند مرزبندی و چانه‌زنی میان خود و دیگری و در چارچوب‌های منقادکننده هنجارها تحقق می‌یابد (Butler, 2019: 12-13) که با تجربه

1 Subject

2 Work on the self

۳ در پدیدارشناسی بین دو واژه reflection و reflexivity تمایز گذارده می‌شود که واژه نخست به بازاندیشی در مورد کنش انجام گرفته و تمام شده اشاره دارد و دومی، به بازاندیشی در مورد کنش‌های انجام نیافته و در حال انجام. بنابراین، شاید بتوان گفت که واژه reflection به نتیجه‌ی کار انجام شده و واژه reflexivity به سوژه، موقعیت او و کنش اشاره دارد.

4 Agent

5 Actor

6 Distanciation

سطح جدیدی از تاریخ‌مندی^۱، تولید^۲ و جهت‌گیری‌های مهم در موقعیت‌های هنجاری زندگی اجتماعی (Touraine 1984) همراه است. در واقع، مفهوم سوژه و فرایند سوژگی در رابطه با کار روی خود در فرایند تجربه اجتماعی و در موقعیت‌های آزمون قابل فهم است. مفهوم کار روی خود با تغییر در فردیت‌یابی^۳ (Martuccelli and De Singly. 2012: 50) و تبدیل شدن زندگی شخصی به یک پروژه باز و گشوده به فرصت‌ها، امکان‌ها و تجربه‌های جدید و همچنین، اضطراب‌ها و نگرانی‌های جدید تعریف می‌شود (Giddens. 1992: 18). فردیت‌یابی در دوران معاصر با فقدان و کمرنگ شدن تولید معناهای مقتدر و معتبر توسط مراجع سنتی هویت‌بخش (Martuccelli. 2002: 345)، و در نتیجه، قرارگیری بار مسئولیت و تصمیم‌گیری‌های شخصی در همه مراحل زندگی بر عهده فرد به عنوان فاعل پروژه گشوده کار روی خود همراه است. بنابراین، افزایش مسئولیت فرد خواه به اجبار و خواه به صورت داوطلبانه، به عنوان پیامد فقدان مراجع سنتی هویت‌بخش، افزایش آسیب‌پذیری فرد را به دنبال دارد (Ehrenberg. 1995). به گفته دیگر، پذیرش مسئولیت بیشتر هرچند فرد را در موقعیت تجربه‌های جدید، متکثر و رها شده از محدودیت‌های پیشینی قرار می‌دهد، اما او را از نظر روحی و روانی آسیب‌پذیرتر می‌کند. کار روی خود در دوران معاصر در فرایندی پیوسته در تمام طول زندگی فرد و در قالب فرایند هویت سازی تحقق می‌یابد که هم درجه‌ای از انسجام و همبستگی^۴ و هم تفاوت از دیگری را در خود دارد. کار روی خود توسط فرد و در فرایند ارتباط با دیگری^۵ و به واسطه دیگربودگی^۶ دیگری، در قالب کاری^۷ اجتماعی انجام می‌شود که در کلیت خود فرایندی متناقض است؛ چرا که ترکیبی^۸ از اشتراک با یک گروه در عین مرزبندی میان خود و دیگری بوده و در دو گانه

1 Historicity
 2 Production
 3 Identification
 4 Coherence
 5 Other
 6 Otherness
 7 Work
 8 Combination

شبهات^۱/ تفاوت^۲ انجام می‌گیرد (Martuccelli. 2002 : 366). سوژه در فرایند کار روی خود در موقعیت‌های آزمون و تجربه اجتماعی به طراحی بازی‌های اجتماعی میان خود و دیگری پرداخته و آن را در قالب رمزگذاری^۳ و رمزگشایی^۴ در متمایزسازی «ما»^۵ از «آنها»^۶ سازماندهی می‌کند (Becker. 2002 (1985) : 239 & Dubet. 1994 : 138). در واقع، آنچه مرزهای موجودیت «ما» را ترسیم می‌کند در فرایند یک کار اجتماعی و پیوسته صورت می‌گیرد (de Certeau. 2004).

خستگی خود بودن، دیگر مفهوم کاربردی در تفسیر تجربه زنان زائر ایرانی از پیاده‌روی اربعین است که در ارتباط با دو مفهوم «فردگرایی»^۷ و «شکندگی»^۸ فهمیده می‌شود (Ehrenberg. 1998). فرد خسته از خود فردی است دچار شده به خودبیگانگی^۹ که فرایند کار روی خود را در دنیایی بیش از پیش تکه‌تکه شده^{۱۰} و آسیب‌زا تجربه می‌کند. خود بیگانگی در معنای کلاسیک به مجموعه شرایط منتهی شونده به فقدان مالکیت فرد بر ثمره نهایی و دسترنج خود و حتی محرومیت فرد از انسانیت و از دست دادن کنترل بر خود گفته می‌شود (Paugam. 2010 : 44-102). هابرماس در تعریف خودبیگانگی نقش ساختارهای اجتماعی را برجسته می‌کند که فرد را از تحقق بخشیدن به امیال فردی‌اش بازداشته و به پرداختن به تحقق امیال دیگری و می‌دارد و فروم، خودبیگانگی را عدم تحقق نیازهای بنیادی انسان مانند نیاز به کار خلاق، برقراری روابط اجتماعی با دیگری، ریشه‌دار شدن پایدار هویت

1 Resemblance

2 Difference

3 Codification

4 Decoding

5 Us

6 Them

7 Individualism

8 Fragility

9 Alienation

10 Fragmented

شخصی، نیاز به قالب مرجع و نیاز به فهمیدن (Boudon and Bourricaud. 2006 : 115)^۱ و نیز پایان خود بودن و زندانی شدن در فضا و اتمسفری تعریف می کند که همه چیز را به امور کمی و انتزاعی تقلیل داده و فرد را تحت اقتدار ناشناس یک «ما بزرگ» و غایب قرار می دهد (Hérichon. 1969 : 230-233). فرد خودبیگانه فردی دچار شده به خستگی خود بودن نیز هست؛ چرا که برای داشتن هویت شخصی و مستقل و دستیابی به موفقیت های اجتماعی، ناگزیر از برعهده گیری مسئولیت های بیشتر و تعریف مسیرهای شخصی است که با تجربه رنج و فشار روحی و روانی، آسیب پذیری و بروز نشانه های افسردگی مدرن همراه است. افسردگی مدرن به عنوان پیامد خودبیگانگی و خسته بودن از خود، در رابطه با مفهوم مسئولیت^۲ و در قالب فقدان انرژی و انگیزه برای تغییر در شرایط زندگی تعریف می شود (Ehrenberg. 1998). آسیب پذیری روحی و روانی در دوره کنونی به صورتی همه گیر و نتیجه «فرد غیرقطعی»^۳ (Ehrenberg. 1995) و در واقع، هزینه ای است که فرد برای استقلال و عدم وابستگی به دیگری و اتکا بر نیروی آفرینندگی و توانایی های فردی خود در رویارویی با بی ثباتی ها و فقدان اطمینان ها می پردازد (Ehrenberg. 1991). در افسردگی مدرن مسئله اصلی «وزن امکان تحقق»^۴ چیزی در رویارویی فرد با امکان «نامحدود»^۵ و «غیرقابل کنترل»^۶ تحقق آن چیز است که در چنین شرایطی فرد بیش از پیش نیازمند «تسلط بر خود»^۷، افزایش ظرفیت های کنش و انعطاف پذیری عاطفی و روحی برای سازگاری پیوسته با زیست جهانی فاقد قطعیت و ثبات است که هم زمان راه ها و مسیرهای متنوعی را پیش روی فرد می گذارد. در واقع، فرد در دنیای کنونی تنها زمانی بر فردیت خود یا خود فردی اش مالکیت خواهد

۱ عبدالحسین نیک گهر در کتاب فرهنگ جامعه شناسی انتقادی نوشته ی ریمون بودون و فرانسوا بوریکو، مفهوم فارسی معادل Alienation را بیگانگی در نظر گرفته است؛ اما نگارنده خودبیگانگی را مفهوم مناسب تری می داند.

2 Responsibility

3 The uncertain individual

4 Likelihood of realization

5 Unlimited

6 Uncontrollable

7 Self control

یافت که اصل «امکان‌پذیری همه‌چیز» را بپذیرد (Ehrenberg, 1998) و این همان فهمی از زندگی است که در عین گشودگی با تجربه آسیب نزد فرد همراه است. بنابراین، در ساخت چارچوب مفهومی پژوهش بر اساس مفاهیم تعریف شده، زیارت پیاده اربعین به مثابه موقعیتی است که زن زائر از قرارگیری در آن، تجربه اجتماعی خود را می‌سازد. زائر زن به مثابه سوژه در تجربه زیارت اربعین، به کاری بازاندیشانه روی خود می‌پردازد و در حالی که در تجربه زندگی روزمره و زنانه خود خواه در نقش‌های جنسیتی و خانوادگی و خواه در جایگاه اجتماعی و نقش‌های شغلی، خودیگانگی و خسته بودن از خود را تجربه می‌کند؛ در پیاده‌روی اربعین با نزدیک شدن به دیگری قابل اعتماد، یعنی امام معصوم، از تجربه ملال زندگی مدرن و روزمرگی‌های زنانه خود فاصله می‌گیرد. زن زائر نگاهی نقادانه و بازاندیشانه به زندگی روزمره و نقش‌ها و انتظارات از پیش تعریف‌شده جنسیتی، خانوادگی و اجتماعی خود داشته و به هم‌ذات‌پنداری و شبیه‌سازی تجربه زیارت خود با گذشته تاریخی و رنج‌آلود خود شیعی پرداخته و با عبور از دلزدگی‌ها و ملال زندگی مدرن و با امید به آینده آرمانی وعده داده شده به شیعه، در فرایند ساخت‌شکنی و ساخت دوباره خود، خود و فردیتی تازه را برمی‌سازد.

روش تحقیق

این پژوهش در دیدگاه فکری تفسیرگرایی و معرفت‌شناسی برساخت‌گرایانه تعریف شده و با روش تحقیق کیفی و مطالعات کیفی اساسی^۱ انجام شده است. در روش کیفی اساسی، محقق با مطالعه روایت افراد از تجربه‌شان در رابطه با یک پدیده اجتماعی به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که چگونه مردم تجربه‌های خود را تفسیر می‌کنند؟ چگونه دنیای خود را می‌سازند؟ و چه معنایی به تجربه‌های خود نسبت می‌دهند؟ (Merriam, 2015: 46-48). ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق نیم‌ساختاریافته و ابزار تحلیل داده‌های میدان پژوهش

تحلیل مضمونی^۱ است. روش تحلیل مضمونی، روشی مبتنی بر شناسایی و کدگذاری الگوهای معنایی یافته شده در روایت فرد است که به شناسایی ایده های ضمنی، معنادار و روشن می پردازد و قائل به امکان تفسیر و عاملیت برای پژوهشگر است (Zokaei, 2020: 84). در چارچوب روش شناسی پژوهش، زائر به عنوان کنشگری خلاق و معنا ساز فهم می شود که بر اساس دیدگاه های موقعیتی و متأثر از هنجارهای تاریخی و فرهنگی حاکم بر زندگی خود، به معناسازی از تجربه خود در پیاده روی اربعین می پردازد. بنابراین، زائران با برخورداری از جایگاه و موقعیت های گوناگون، فهم متکثری از زیارت پیاده اربعین به مثابه یک پدیده اجتماعی دارند که بر اساس این فهم متکثر، واقعیت اجتماعی پیاده روی اربعین به صورت امری متکثر ساخته و تفسیر می شود. در فهم زیارت پیاده اربعین به عنوان یک واقعیت اجتماعی متکثر، معنا توسط زائر به عنوان سوژه بازنمایش، در گفت و گو با پژوهشگر به عنوان یک فرایند تعاملی و بازنمایشانه ساخته می شود (Blaikie, 2005: 153-154 & Creswell, 2012: 34-35) و در فرایند تحلیل و پژوهش، معنای تجربه فرد از یک پدیده اجتماعی توسط محقق، انتزاع و ذات آن فهم می شود.

جمعیت مورد پژوهش همه زائران زن ایرانی شرکت کننده در پیاده روی اربعین سال ۱۳۹۶ تعریف شدند و با هدف امکان مطالعه عمیق و همه جانبه تجربه راهپیمایی اربعین، از میان زائران زن در حال استراحت در موبک ها، در ترکیبی از نمونه گیری هدفمند و نظری، زائران به صورتی انتخاب شدند که بیشترین تنوع و تکثر را از نظر ویژگی های سنی، ظاهری، قومیتی و تعلق طبقاتی داشته باشند (Hariri, 2006 : 126 & Adib Hajbagheri et al, 2007 : 133) تا بازتاب دهنده تفاوت ها یا نگاه های متفاوت به پدیده زیارت اربعین باشند (Creswell, 2012: 155). بر این اساس، تا رسیدن به اشباع نظری با ۲۵ زن ۶۸-۲۲ سال برای انجام گفت و گوهای عمیق و نیم ساختاریافته انجام شد (سه نفر از این افراد خادم موبک نیز بودند). مصاحبه ها در موبک های گذری ایرانی و مستقر در مسیر پیاده روی اربعین از

نجف به کربلا، و هم‌زمان با استراحت زائران در موب‌ها انجام شده و زمان مصاحبه‌ها بین ۲۰ دقیقه تا یک ساعت متغیر است.

راهنمای مصاحبه در قالب دو دسته پرسش زمینه‌ای (مشخصات فردی) و مضمونی (پرسش‌های متمرکز بر تجربه) تعریف و در طراحی آن تلاش شد تا ابعاد گوناگون تجربه زنان زائر، با هدف دست یافتن به فهمی همه‌جانبه از کلیت تجربه زائران، مورد پرسش گفت‌وگو قرار گیرد. بنابراین، در طراحی پرسش‌های مضمونی بر پنج محور اصلی، یعنی احساس حضور، معنای تجربه حضور در آیین جمعی مذهبی، انگیزه‌ها و دلایل، پیامدها و تأثیرات حضور در زندگی روزمره و تأثیر و ملاحظات جنسیتی زن زائر برای حضور در پیاده‌روی اربعین مورد توجه قرار گرفت.

جدول ۱. اطلاعات زمینه‌ای جمعیت مورد پژوهش^۱

نام	سن	وضعیت تاهل	تعداد فرزندان	تحصیلات	شاغل / بیکار / خانه‌دار	شهر محل سکونت	شیوه شرکت در پیاده‌روی	تعداد دفعات شرکت
فتانه	۲۵	مجرد	-	دیپلم	شاغل	قزوین	کاروان/همراه مادر	۲
یاس	۴۳	متاهل	۲	کارشناسی	شاغل	آمل	گروهی/دوستان و خانواده	۴
حسنا	۳۴	متاهل	۲	دیپلم	خانه‌دار	کرمانشاه	گروهی/دوستان	۱
سوری	۲۷	مجرد	-	کارشناسی	بیکار	سمنان	گروه خانوادگی	۲
زهره	۳۲	بیوه	۱	کارشناسی ارشد	شاغل	بانه (کردستان)	انفرادی	۳
فرزانه	۲۷	مجرد	-	زیر دیپلم	خانه‌دار	اهواز	انفرادی	۱
مهدیه	۲۸	متاهل	۲	کارشناسی	خانه‌دار	تهران	خانوادگی	۵
پری	۴۹	متاهل	۳	دیپلم	خانه‌دار	کرمانشاه	خانوادگی	۱

۱ با هدف رعایت اصل اخلاق حرفه‌ای در پژوهش، برای تمامی افراد مورد گفت‌وگو اسامی مستعار انتخاب شد و از آوردن اطلاعاتی که می‌تواند ناشناس ماندن افراد را خدشه دار سازد، پرهیز شده است.

فهم تجربه پیاپی روی زنان ایرانی در اربعین ۲۶۰

نام	سن	وضعیت تاهل	تعداد فرزند	تحصیلات	شاغل / بیکار / خانه‌دار	شهر محل سکونت	شیوه شرکت در پیاده‌روی	تعداد دفعات شرکت
ترانه	۳۳	مجرد	-	کارشناسی	شاغل	تهران	انفرادی	۲
هدیه	۲۲	متاهل	-	دیپلم	خانه‌دار	هرسین (کرمانشاه)	کاروان/خانوادگی	۱
مریم	۳۶	متاهل	۱	کارشناسی	خانه‌دار	کرمانشاه	گروهی/خانوادگی	۱
راضیه	۴۰	متاهل	۱	دیپلم	خانه‌دار	تهران	گروهی/دوستان	۱
شهربانو	۳۰	مجرد	-	کارشناسی ارشد	بدون شغل رسمی	بیستون (کرمانشاه)	گروهی/(خادم)	۳
ریحانه	۳۰	متاهل	-	کارشناسی ارشد	شاغل	تهران	گروهی/(خادم)	۴
زینب	۴۹	متاهل	۳	زیر دیپلم	خانه‌دار	کرمانشاه	گروهی/خانوادگی	۴-۵
ترنم	۳۰	مجرد	-	دیپلم	بیکار	تهران	گروهی/دوستان	۲
نجمه	۶۸	متاهل	۲	فوق دیپلم	بازنشسته	تهران	انفرادی / کاروان	۱
انسیه	۴۶	متاهل	۲	زیر دیپلم	خانه‌دار	تهران	گروهی/دوستان	۴
آزاده	۳۶	متاهل	۱	دیپلم	شاغل	کرمان	خانوادگی	۱
محدثه	۲۵	مجرد	-	کارشناسی ارشد	بیکار	کرمان	گروهی/(خادم)	۳
فریبا	۳۸	متاهل	-	دیپلم	خانه‌دار	قم	خانوادگی	۲
منظر	۳۶	متاهل	۱	کارشناسی	خانه‌دار	اصفهان	خانوادگی	۲
پروانه	۴۱	متاهل	۲	کارشناسی	شاغل	آمل	کاروان/خانوادگی	۱
مهین	۵۰	متاهل	۴	زیر دیپلم	خانه‌دار	همدان	خانوادگی	۱
مهرانه	۴۶	متاهل	-	زیر دیپلم	خانه‌دار	زیبا شهر (اصفهان)	گروهی/خانوادگی و اقوام	۲

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش در مطالعه روایت زنان زائر مورد گفت‌وگو در مورد تجربه‌شان از شرکت در پیاده‌روی اربعین، نشان‌دهنده پنج مضمون ملال روزمره و رهایی از دلزدگی‌های زندگی مدرن، لذت رنج مقدس و خودخواسته، حافظه تاریخی جنگ و سیالیت معنای بدن، از سوژگی زنانه در تاریخ تا گذر از ابژگی روزمره و اشراق معنوی زائر و تغییر رفتار از خودخواهانه و عادت‌ی به دگرخواهانه است.

ملال روزمره و رهایی از دلزدگی‌های زندگی مدرن

دلزدگی و خستگی از روزمرگی‌ها زمینه تجربه زندگی بسیاری از زنان زائر است. دلزدگی و ملال زائر در زندگی روزمره، ریشه در خستگی‌ها و خودبیگانگی‌های فرد در برعهده‌گیری نقش‌های اجتماعی و خانوادگی قالبی و تحمیل شده دارد و پیاده‌روی اربعین به عنوان فرصتی برای دور شدن از دغدغه‌های زندگی و بی‌انگیزه و بی‌انرژی بودن برای تغییر در شرایط خود تفسیر می‌شود. دغدغه‌های زندگی روزمره نزد زنان رابطه تنگاتنگی با تغییرات ایجاد شده در حوزه‌های گوناگون زندگی آن‌ها و به‌ویژه ناسازگاری و شکاف میان حقوق با مسئولیت‌ها و وظایف که به تجربه فشار روحی و ذهنی مضاعفی نزد زنان منتهی می‌شود. مطالعه روایت زنان نشان می‌دهد که زیارت پیاده اربعین برای زن زائر فرصتی است برای رهایی از دلزدگی‌های روزمره و خستگی‌ها و ملال زندگی مدرن است که ریشه در خودبیگانگی، خستگی خود بودن و افزایش مسئولیت‌های زندگی دارد. در واقع، پیاده‌روی اربعین برای زن زائر فرصتی است برای فرار و بریدن از روند معمول و همیشگی زندگی روزمره، به‌طوری که فرد با حضور در این آیین زیارتی، با دور شدن از ملال روزمرگی‌ها، خود را قرار گرفته در جریانی نو و تازه از زندگی تفسیر می‌کند.

«... احساس می‌کنم اگر جا بمانم و به این جمع بزرگ نرسم، نوری برای یک سال زندگی در شهر خودم نگرفته‌ام. می‌آیم تا برای یک سال زندگی توشه بگیرم...»
برمی‌گردم پر از نور و انرژی هستم که مسیر را مشخص می‌کند که چکار کنم. حتی

در برنامه تدریس مهدکودک هم اربعین تأثیر می گذارد... . انگار جمله ها را به ذهن من می آورند و به ذهنات جاری می کنند که به جای آن ها حرف بزنی» (یاس، ۴۳ ساله، متأهل، دارای دو فرزند، کارشناسی، شاغل، آمل).

و همچنین روایتی دیگر با این مضمون:

«انگار نیایی روزی یک سالات را از دست داده ای، یعنی برکت زندگی ات را. جاهایی کم میاری در زندگی و دری به رویت گشوده می شود و احساس می کنی از عنایت امام حسین و برای همین خدمتی است که کردی» (شهربانو، مجرد، ۳۰ ساله، کارشناسی ارشد، شاغل، بیستون (کرمانشاه)، (خادم)).

روایت زائر، روایت زیستن در دنیایی تکه تکه شده است که در آن فرد زیست جهان خود را جهانی چندپاره تجربه می کند؛ درحالی که تحقق خود فردی در پیوستگی با زیست جهانی یکپارچه، اما متکثر ممکن خواهد بود. فرد در تجربه زیارت، از زندگی در زیست جهانی چندپاره شده به جهانی وارد می شود که یکپارچه و پیوسته است. زیست جهانی که دیگر نه تکه های ناپیوسته ای از ذهنیت فردی، زندگی خانوادگی، حرفه ای و اجتماعی، بلکه زیست جهانی بهم پیوسته و یکپارچه شده و نظم یافته به واسطه قدرتی فرامادی، غیبی و قابل اعتماد است. در واقع، این قدرت غیبی و فرا زمینی و اعتماد فرد زائر به آن است که جهان تجربه شده نزد زائر را جهانی بهم پیوسته و یکپارچه بازنمایی می کند؛ به طوری که تجربه و نهادن زیست جهان های چندپاره در زیارت اربعین، به فرد آرامش خاطر و احساس رها شدن از خستگی ها و ملال زندگی را می دهد که خود از دلایل برانگیزاننده نزد زائر برای تکرار تجربه زیارت اربعین در سال های بعد است.

فردگرایی مطالبه جهان مدرن و به معنای پذیرش مسئولیت خود است. فردگرایی یعنی تعریف زندگی فردی به مثابه مسیری مستقل و شخصی که فرد می بایست به تنهایی مسئولیت همه تصمیم گیری ها، انتخاب ها و پیامدهای آن را بر عهده گیرد. در دوره معاصر، زندگی فرد گشوده به سوی امکان ها و فرصت های جدید و همچنین، نگرانی ها و اضطراب های تازه

است. هم‌زمان شدن این تغییرات با نهادزدایی‌شدگی و سنت‌زدایی‌شدگی و در نتیجه فقدان و کمرنگ شدن اعتبار و اقتدار معناهای تولید شده به‌وسیله نهادهای سنتی و مرجعیت‌بخش به افزایش بار مسئولیت فرد منتهی شده است. این تغییرات هرچند از یک‌سو به فرد امکان تجربه آزادی و رهایی از تعین‌بخشی نهادهای مرجع پیشامدرن را داده است؛ اما از سوی دیگر فرد را به موجودی آسیب‌پذیر، شکننده و تنها در رویارویی با شرایط زندگی جدید تبدیل کرده است. زائر با بریدن از زندگی روزمره خود و دور شدن موقت از آن، در جستجوی تجربه زیستن و زندگی‌ای تازه با فرا رفتن از روزمرگی‌ها و ملال‌های هر روزه زندگی خود است که در آن، خود اصیل فرد، به‌معنای خودی شکوفا شده در همه ابعاد وجودی آن تحقق یابد. فرد در تجربه این سفر زیارتی در جستجوی فرصتی است تا برای مدتی هرچند کوتاه از بار مسئولیت خود بودن و خستگی برآمده از تنش‌های تحمیل شده در زندگی روزمره بکاهد و سامان زندگی خویش را، هرچند به‌طور موقت، به دیگری قابل اعتماد، یعنی امام معصوم به عنوان میزبان اصلی این سفر زیارتی بسپارد.

بی‌اعتمادی به جریان زندگی مدرن و در مقابل اعتماد به امام به‌عنوان قدرت و نیرویی قابل اطمینان، مضمون مرتبط با ملال و زندگی روزمره نزد زن زائر است. زندگی روزمره در دوره کنونی فرد را در موقعیت تصمیم‌گیری‌های پیوسته و نه‌چندان مطمئن قرار می‌دهد. تصمیم‌گیری‌ها از یک‌سو، با عدم اطمینان از درستی انتخاب‌ها و تردیدها و دوراهی‌های انتخاب همراه است، و از سوی دیگر، با بازگشت نتایج و پیامد تصمیم‌ها به سوی فرد به‌طوری که فرد را به‌طور پیوسته در موقعیت تصمیم‌گیری و انتخاب قرار می‌دهد. بنابراین، احساس تنهایی و فشارهای روحی و همچنین، خستگی و دلزدگی‌های برآمده از این تجربه‌های روزمره، فرد را نیازمند اتکاء به قدرتی غیبی و نیرویی فرا زمینی می‌کند تا از فرد در برابر بی‌سامانی‌ها و عدم اطمینان‌های زندگی مدرن حمایت کند. بنابراین، تجربه زیارت پیاده اربعین، در بطن بی‌سامانی‌ها و فقدان ثبات، می‌تواند تجربه رهایی فرد از بار مسئولیت‌های زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، و در مقابل، سپردن سامان امور زندگی

به نیرویی قابل اعتماد باشد.

یکی از چشم اندازهای فهم دلزدگی و ملال و تمایل به بریدن از زندگی روزمره نزد زائر زن، میل به رهایی از نقش ها و انتظارات جنسیتی و شغلی است. تجربه زائر میل به کندن موقت از زندگی هر روزه و شرایط آن است. روابط و سلسله مراتب جنسیتی از جمله نظم دهنده های زندگی روزمره هستند که در تجربه شرکت در پیاده روی اربعین، موقتاً بهم ریختگی ای مشروعی را تجربه می کند. برهم زدن این سلسله مراتب و کنده شدن از نقش ها، وظایف جنسیتی زنانه نزد زائر، با کنار گذاردن موقت مسئولیت های جنسیتی، در نقش مادر و همسر و دوری از نگرانی های دائم برای مدیریت امور زندگی خانواده تفسیر می شود. فرصت زیارت پیاده اربعین، به عنوان یک آیین مذهبی، مشروعیتی پیشینی به غیبت موقت زن در جایگاه مادر و همسر می دهد؛ در حالی که چنین فقدان در موقعیت های دیگر می تواند با کشمکش در خانواده و تنش در روابط میان اعضای خانواده، به ویژه زن و شوهر، همراه باشد. در واقع، از یک سو به دلیل مذهبی بودن این آیین و از سوی دیگر، به دلیل فراگیری شرکت در این منسک در جامعه ایرانی، به ویژه در میان اقشار طبقه پایین، غیبت موقت زنان در خانواده و فاصله گیری آن ها از نقش هایشان در جایگاه مادر و همسر دارای توجیهی مشروع نزد خانواده است.

«در تلویزیون خیلی می دیدم که (مردم) می آیند و دوست داشتم ببایم، اما نگران شوهر و دخترم بودم. اینکه از سر کار می آیند و چه کار می کنند (غذا آماده نیست). اما تصمیم گرفتم که ببایم و آن ها هم دیدند که نمی توانند جلوی من را بگیرند، دیگر خودشان را راضی کردند...» (زینب، ۴۸ ساله، متأهل و دارای فرزند، زیر دیلم، خانه دار، کرمانشاه).

اما مشروعیت در توجیه فاصله گیری موقت نه فقط شامل نقش های جنسیتی زنانه که در رابطه با نقش های شغلی و غیبت در محل کار نیز قابل مشاهده است. به طوری که غیبت از نقش شغلی برای زنان شاغل نیز، فرصت دور شدن از روزمرگی های شغلی و دغدغه های ذهنی آن را فراهم می کند که تجربه ای متفاوت در گسست از جریان عادی زندگی حرفه ای است.

«حس اینکه قطره‌ای از دریا ارادت به امام حسین هستی یک حس مطلوب درونی به من می‌دهد که همراه با آرامش است. وجود انسان و روح انسان به شارژ نیاز دارد. در زندگی شخصی و شغلی‌ام مشغله زیاد دارم اما وقتی می‌آیم اینجا آرامش دارم و خوشحال هستم که مشغله کاری و شخصی‌ام را ۱۰-۱۲ روز کنار گذاشته‌ام و آمده‌ام اینجا و به یک آرامش عمیق رسیده‌ام» (ریحانه، ۳۰ ساله، متأهل، کارشناسی ارشد، شاغل، تهران (خادم)).

به‌طور کلی، ره‌اشدگی از نقش‌های روزمره و انتظارهای نقشی زائران در تجربه شرکت در پیاده‌روی اربعین بخش مهمی از تجربه زائران است و زن زائر در غیبتی مشروع از نقش‌های خانوادگی، شغلی و اجتماعی‌اش، تجربه‌هایی از ملال روزمرگی و خستگی‌های خود بودن را تجربه می‌کند. و زائر با بریدن از خود روزمره‌اش که به ملال و دلزدگی دچار است با هدف تجربه‌های تازه و متفاوت، با افرادی بیگانه اما گردآمده در قالب یک اجتماع مذهبی واحد همراه می‌شود تا خودی تازه را تجربه کند.

لذت رنج مقدس و خودخواسته

بدن ابژه مرکزی تجربه اجتماعی است (Schutz, 2003 : 11-13). بدن و تجربه‌های شکل گرفته پیرامون آن، یعنی رنج‌های جسمی و بدنی بخش مهمی از تجربه زائران اربعین را شکل می‌دهد. زیارت اربعین نزد زائر حضور در مکان و زمانی است که حضور قدرتی غیبی، فرا زمینی و مقدس در آن، وجود زائر و هر آنچه مربوط به آن است را در بر می‌گیرد. از همین رو، فهم فرد از خود به مثابه فردی «نظر کرده» است که به این سفر معنوی دعوت شده و قدرت و نیرویی فرا زمینی امور مربوط به زائر را سامان داده و به هر آنچه در مسیر زیارت تجربه می‌شود تقدس می‌بخشد.

«حس اربعین هیچ کجا نیست. یک عشق است. (زائر) دنبال خوش گذرانی و رفاه نیست. بین چطور پاهایشان تاول می‌زند! چه کسی خودش را در مسیری می‌اندازد که (پاهایش) تاول بزنند؟ این به خاطر عشق است!» (زینب، ۴۹ ساله، متأهل، دارای سه فرزند، زیردپلم، خانه‌دار، کرمانشاه).

و همچنین روایت سوری از رنج سفر:

«سختی‌ها را واقعاً دوست دارم. پارسال از امسال سخت تر بود. اصلاً حمام نرفتم. مواد شوینده نبود. من حساسیت غذایی دارم. در مرز مهران بچه‌ای با یک پارچ و لیوان ایستاده بود و شاید از آن لیوان ۲۰۰ نفر آب خورده بودند. گفتم یا امام حسین نمی‌خواهم در این مسیر بیمار شوم. گفتم خدایا این لیوان آب را می‌خورم و تو حسم را بشکن که یک حالت چندش نباشد. آن را خوردم و دیگر هر چیزی می‌دیدم ذهنم بد نمی‌شد و حالم بهم نمی‌خورد. حس خوبی دارم به این سختی‌ها و با میل و رغبت به اینها علاقه دارم (بغض می‌کند). مغناطیس اباعبدالله است. سال‌های غیر اربعین که می‌آمدیم بهترین هتل‌ها می‌رفتیم و خیلی خوش می‌گذشت. این دو بار اربعین با اینکه سختی‌های خودش را داشت، اما واقعا می‌خواهم هر سال این زمان بیایم. خیلی‌ها هستند مثلاً حساس هستند برای شستن سرویس بهداشتی. خیلی هستند رعایت نمی‌کنند. من خرده نمی‌گیرم و با کمال میل آرزو دارم که حتی اگر شده خادم باشم و دستشویی‌ها را بشویم...» (سوری، ۲۷ ساله، مجرد، کارشناسی، بیکار، سمنان).

تجربه بدن و سختی‌های جسمی و روحی، بخش مهمی از روایت زائران اربعین را شکل می‌دهد. پیاده روی برای زائر با تجربه آسیب‌های گوناگون جسمی و بدنی مانند گرم‌زدگی، آفتاب سوختگی، تاول زدگی پاها و ... همراه است. به این رنج و دشواری‌ها همچنین، می‌بایست نبود امکانات رفاهی و بهداشتی را، به‌ویژه در مسیر پیاده روی افزود. اما نکته قابل توجه در رابطه با تجربه بدن، تجربه متضاد رنج و لذت است. در پیاده روی اربعین بدن هم ابژه رنج است و هم لذت؛ به این معنا که زائر در رنجی خودخواسته و در شبیه‌سازی‌ای مناسکی، بدن خود را در معرض رنج جسمی ناشی از رنج‌ها، سختی‌ها و کمبودها و محدودیت‌ها قرار می‌دهد و در برابر تحمل این درد خودخواسته، لذتی روحانی و معنوی را تجربه می‌کند. نزد زائر، تحمل رنج جسمی و آزار بدنی در مسیر پیاده روی، درک بهتری از واقعه کربلا و تجربه اسارت خاندان امام به فرد می‌دهد و به واسطه این شبیه‌سازی، زائر تاریخ رنج آلود شیعه را بیشتر درک می‌کند. البته بدن زائر در زیارت اربعین تنها ابژه رنج نیست و در مسیر پیاده روی بهره‌مندی از برخی خدمات رایگان چون ماساژ بدن و تجربه مزه و طعم

غذاهای عراقی-عربی، از جمله لذت‌های جسمی در پیاده‌روی اربعین است که در تجربه‌ای نزدیک با یک سفر بوم‌گردی، یکی از جذابیت‌های سفر پیاده‌روی اربعین است. اما نکته قابل توجه در تجربه زائر اربعین، شکل‌گیری دوگانه رنج خودخواسته و رنج تحمیلی است که نشان دهنده چند لایه بودن تجربه فرد در پیاده‌روی اربعین است. زائر اربعین رنج و دشواری پیاده‌روی در مسیر رسیدن به کربلا و آسیب‌های بدنی و جسمی همراه با آن را در حالی تحمل می‌کند که این رنج را رنجی خودخواسته و انتخاب شده و در نتیجه خوشایند می‌فهمد؛ در حالی که دشواری نبود امکانات و خدمات، به‌ویژه خدمات بهداشتی در مسیر زیارت را رنجی تحمیلی تفسیر می‌کند. در واقع، زائر به‌عنوان سوژه‌ای انتخاب‌گر این دو رنج را از هم متمایز می‌کند؛ یکی رنجی خودخواسته که توسط زائر انتخاب می‌شود و زائر خود را در معرض تجربه آن قرار می‌دهد و حتی از این موقعیت به‌مثابه شیوه‌ای برای کار روی خود فردی بهره می‌گیرد و دیگری، رنجی تحمیل شده- به‌علت نبود امکانات و خدمات بهداشتی و رفاهی متناسب با جمعیت زائران- که در زمینه معنایی متفاوتی به‌عنوان رنجی غیرانتخابی و ناخوشایند تجربه می‌شود. رنج زیارت در پیاده‌روی اربعین رنجی است که زائر خود را در معرض آن قرار می‌دهد و در تکراری از معنا توسط فرد تفسیر می‌شود. رنج خودخواسته، رنجی است که زائر به استقبال آن می‌رود و آن را به‌عنوان مسیری برای خودسازی و پاک شدن از گناه و در نتیجه، شایسته رسیدن به مقصد، یعنی زیارت کربلا می‌فهمد. به گفته دیگر، زائر با قرار دادن خود در معرض رنج و تحمل دشواری‌های زیارت پیاده، خود را آماده و لایق بهره‌مندی از عنایت امام و رسیدن به حاجت‌های مادی و معنوی می‌سازد؛ در حالی که رنج ناخواسته و تحمیلی با فرسوده ساختن جسم و روح زائر، فرد را از دستیابی به اشراق سفر و معنویت باز می‌دارد.

اما سنخ و گونه دیگری از رنج خودخواسته در روایت خادمان موکب‌ها از تجربه‌شان دیده می‌شود که به‌صورت سازمانی آموزش داده شده و مطالبه می‌شود. هرچند این رنج در شبیه‌سازی با رفتار میزبانان عراقی در موکب‌های مردمی در مسیر پیاده‌روی قابل فهم است،

اما، می توان آن را در قالب نهاده سازی و سازمانی شدن مناسک رفتاری مورد انتظار از خادمان اربعین دانست.

به طور کلی، تجربه بدن در زیارت اربعین به عنوان ابژه مرکزی تجربه زائر، در استقبال از رنج خودخواسته دارای وجهی عرفانی است. فرد با قرار دادن خود در معرض سختی و تحمل «رنج مومنانه»^۱، سیر و سلوکی معنوی و عرفانی را تجربه می کند که تجربه ای خوشایند و لذت بخش برای فرد است و اشتیاق و انگیزه زائر به تجربه دوباره زیارت را افزون می کند. به گفته دیگر، خاطره سازی جذاب از تجربه رنج خودخواسته و سیر و سلوک عارفانه برآمده از آن، در بستر فهم خود به عنوان نظر کرده و دعوت شده، زائر را به تکرار تجربه خوشایند و همراه با لذت عرفانی با شرکت در این آیین در سال های بعد ترغیب می کند.

حافظه تاریخی جنگ و سیالیت معنای بدن

تجربه بهم ریختگی سلسله مراتب و مرزبندی های گوناگون از دیگر مضمون ها در روایت زائران است. هر چند که سلسله مراتب همیشه مثبت نیست و می تواند پیامدهایی چون نابرابری و تبعیض را به همراه داشته باشد؛ اما سلسله مراتب ها به جریان عادی زندگی نظم می بخشد و آن را قابل پیش بینی و قابل فهم می کند. مهمترین سلسله مراتب و مرزبندی ها در زندگی رومزه، عبارت اند از سلسله مراتب جنسیتی، سنی، قومیتی، طبقاتی، مذهبی و سیاسی-تاریخی که زنان زائر تغییراتی را در آرایش و سلسله مراتب جنسیتی تجربه می کنند. این بهم ریختگی ذیل دو مضمون احساس امنیت و تماس میان بدن خود زنانه و دیگری مردانه در روایت های زائران دیده می شود.

«... (پیش تر) خانواده به خاطر مسئله امنیت می ترسیدند اینکه به خاطر جنگ میان دو کشور، زن ها امنیت ندارند و برای همین مردها می آمدند. اما بعد از سفر من زن های خانواده هم تصمیم گرفتند که بیایند... در سفر امنیت داشتیم. (وقتی) فهمیدم ایران، عراقی ها را در این مراسم از نظر غذایی و اسکان ساپورت می کند دیگر خیالم راحت شد و به خانواده گفتم»

1 <http://anthropology.ir/article/30571.html> (۱۳۹۸/۱۱/۸)

(زهره، ۳۲ ساله، بیوه، دارای یک فرزند، کارشناسی ارشد، شاغل، بانه (کردستان)).

از بسترهای مهم فهم تجربه زنان زائر و معناسازی آن‌ها از احساس امنیت در زیارت پیاده اربعین، به عنوان تجربه‌ای زنانه، حافظه تاریخی ایرانی‌ها از جنگ با عراق و تعرض سربازان و نظامیان عراقی به زنان ایرانی است. هرچند به دلایل سیاسی و دینی-ایدئولوژیک و همچنین، غلبه نگاه مردانه بر روایت رسمی جنگ، روایت‌های زنانه از جنگ هشت ساله ایران و عراق به حاشیه رفته، و به‌ویژه وقایعی چون تعرض و تجاوز به زنان ایرانی در مناطق اشغال شده کشور نادیده گرفته شده است؛ اما حافظه تاریخی شفاهی ایرانی‌ها چنین رویدادهایی را هنوز از یاد نبرده است. به‌طور کلی، امنیت برای زنان زائر، مسئله‌ای مهم و چالش برانگیز است و نقش مهمی در شکل‌گیری تجربه آن‌ها در مورد مکان، جغرافیای حضور و اسکان دارد و به تردید زنان برای اسکان در موب‌های خانگی و مردمی عراقی منجر می‌شود. به همین دلیل، زائران زن ترجیح می‌دهند یا در موب‌های ایرانی اسکان یابند یا از موب‌های خانگی عراقی از پیش شناخته شده یا معرفی شده توسط دیگر ایرانی‌ها استفاده کنند. با این حال، نمی‌توان بحث احساس امنیت را تنها بحثی جنسیتی و مهم نزد زنان زائر ایرانی دانست، بلکه بخشی از احساس ناامنی و عدم امنیت به حضور داعش و ناامنی کلی در عراق و حضور تروریست‌ها در این کشور باز می‌گردد که مردان ایرانی را نیز با تردیدهایی برای پذیرفتن دعوت میزبانان عراقی ناشناس برای اسکان در خانه‌هایشان، به‌ویژه در محل‌هایی دور از مسیر اصلی پیاده‌روی، روبه‌رو می‌کند (Pooyafar. 2019 : 239-295).

مسئله امنیت نزد زنان زائر، در دو قالب معناسازی می‌شود؛ نخست، شناسایی امام حسین (ع) به عنوان میزبان و تأمین‌کننده امنیت زائران و به‌ویژه زنان و دیگری، حضور نظامی ایران در کشور عراق که برای زنان امکان حضور بیرون از اقامتگاه‌های شبانه را در تمام ساعات شب، با احساس امنیت همراه می‌کند. در معنای نخست، امام (ع) و خاندانش به عنوان میزبان مراسم اربعین توصیف می‌شوند که به واسطه نیرو و قدرت غیبی و فرازمینی، امنیت مهمانان خود را تضمین می‌کنند؛ در معنای دوم، احساس امنیت با تأکید بر قدرت نظامی و نفوذ ایران در

کشور عراق و با توصیف حاشیه ای بودن قدرت نظامی حکومت عراق در برقراری امنیت در این کشور تفسیر می شود.

«... احساس امنیت خاصی پیدا می کنم وقتی ایرانی می بینم. نیروی نظامی عراقی می بینم واقعاً می ترسم. ایرانی ها غیرت شان مثال زدنی است و از نژاد خودم هستند. چند شب پیش ساعت دو نیمه شب بود که داشتم از حرم بر می گشتم و یک آقای مسنی از موکب امام رضا من را تا موکب خودمان آورد و گفت خطرناک است... این خیلی به من احساس امنیت می دهد که اگر پدرم یا مردهای خانواده ام اینجا نیستند، اما مردهای دیگر هستند که کمک می کنند و مراقب هستند مورد تعرض قرار نگیرم... ایران اینجا سرش خیلی بالا است و خیلی حرف می زند در عراق...» (فرزانه، ۲۷ ساله، مجرد، زیردپلم، بیکار، اهواز).

مطالعه روایت زائران از حضور نظامی جمهوری اسلامی در عراق و شکل گیری دوگانه امنیت ایرانی / امنیت عراقی نشان دهنده خود برترینی ایرانی ها و نگاه از بالا به عراقی ها است. هرچند چگونگی و کمیت حضور نیروهای نظامی ایران در عراق و پیامدهای مثبت یا منفی آن، موضوع مطالعه این پژوهش نیست، اما تفسیر زائران از آن، روایت کننده حضوری پررنگ و قدرتمند و از موضع بالا و برتر ایران در عراق است. این حضور اگرچه با توجه به حافظه تاریخی برجا مانده از جنگ میان دو کشور، برای زائران ایرانی و به ویژه زنان، باعث دلگرمی و احساس امنیت است؛ اما احساس قدرت و یا حسی طلبه کارانه را نزد برخی زائران ایرانی نسبت به میزبان عراقی ایجاد می کند که در رفتار برخی از زائران ایرانی دیده می شود که می تواند پیامدهای منفی در روابط میان دو ملت و دو کشور داشته باشد (Shekarchi, 2018).

دومین تجربه برخی زائران زن ذیل بهم ریختگی سلسله مراتب جنسیتی در زندگی روزمره، روایت زنان از تنش هایی است که به دلیل ازدحام و در هنگام زیارت مکان های مقدس در تماس با بدن مردانه تجربه می کنند.

«... زن و مرد قاطی هستند، اما یک جور دیگر نگاه نمی کنند و در دل و نگاهشان چیزی

نیست. امروز روز مقدسی است و کسی نمی‌تواند به دیگری به چشم بد نگاه کند. احساس امنیت کامل داری و کسی نمی‌تواند خیانت کند...» (زهره، ۳۲ ساله، بیوه، دارای یک فرزند، کارشناسی ارشد، شاغل، بانه (کردستان)).

و نیز روایت زینب:

«در بین الحرمین ازدحام است. زیاد رعایت نمی‌کنند. حتی ایرانی‌های خودمان. انگار این حس به آن‌ها دست می‌دهد که همه خواهر و برادریم چه اشکالی دارد! بپوشان آدم‌هایی هستند که... آره!، اما همه حس خوبی دارند و کم هستند. ۹۹٪ خوب هستند» (زینب، ۴۹ ساله، متأهل، دارای سه فرزند، زیر دیپلم، خانه‌دار، کرمانشاه).

و روایت مهرانه و تنش‌هایی که تجربه کرده است:

«سال اول سختی کشیدم و گفتم نمی‌آیم. برخورد با نامحرم زیاد است. می‌گفتم جای خانم‌ها اینجا نیست. از یک روحانی پرسیدم که آیا گناه است؟. گفت مثل زیارت خانه خدا است و ایام اربعین هم همین‌طور است. دیدم خدا به زوار امام حسین هم لطف دارد» (مهرانه، ۴۶ ساله، متأهل، بدون فرزند، زیر دیپلم، خانه‌دار، زیبا شهر (اصفهان)).

در همه جوامع و در طول تاریخ، بدن زنانه در مقایسه با بدن مردانه امری فرهنگی‌تر و بیشتر ابژه ارزش‌گذاری‌ها و هنجارهای دینی، فرهنگی و اجتماعی بوده است (Detrez, 2002 : p 18-20) و به همین دلیل، نشانه‌گذاری‌ها بر بدن زنانه امری پیچیده‌تر و بیشتر متأثر از مؤلفه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و مذهبی است. دین و مذهب به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی تعریف‌کننده بدن زنانه، نقش مهمی در جامعه‌پذیری و هویت‌یابی دینی زنان دارد. در اسلام و خوانش سنتی از فقه شیعه، بدن زنانه به مثابه ابژه‌ای جنسی و محرک فهم می‌شود (Karami Ghehi and Khazaei, 2020 : 241-262) که مبنای استدلال و توجیه مذهبی پوشیده بودن بدن زنانه در فضاهای عمومی و فاصله‌گذاری با بدن مردانه است. در چنین بستری از جامعه‌پذیری فرهنگی و مذهبی بدن زنانه، تنش‌های زائر ایرانی در تماس با بدن مردانه و بهم‌ریختگی نظم و فاصله میان بدن زنانه و بدن مردانه در ازدحام انجام مناسک

اربعین قابل فهم است.

فاصله گذاری میان بدن‌ها، حتی بدن‌های دو هم جنس، به مثابه یک هنجار و ادب اجتماعی و نیز مذهبی فهم می‌شود. برهم خوردن نظم و فاصله میان بدن زنانه و بدن مردانه در موقعیت‌های زندگی روزمره اجتماعی زنان در فضاهای عمومی چون خیابان، اتوبوس و تاکسی تجربه‌ای به نسبت شایع است، و به عنوان آزار جنسی و تعرض اجتماعی با واکنش شدید از سوی زنان روبه‌رو می‌شود. این در حالی است که همین تجربه در جریان یک مراسم مذهبی هرچند مورد اعتراض لفظی قرار گرفته و به مثابه امری ناخوشایند پس زده می‌شود؛ اما به صورتی متفاوت تفسیر و معنا می‌شود. عدم فاصله گذاری مناسب میان بدن مردانه و زنانه در این آیین، به واسطه فهم مکان و زمان به عنوان امری مقدس توجیه می‌شود. در واقع، فهم از بدن زنانه خود و تعیین حریم خصوصی آن، موقتاً تعلیق و از این بی‌نظمی روایتی توجیهی داده می‌شود. فهم مکان و زمان به مثابه امری مقدس به زن زائر احساس امنیت می‌دهد؛ به این معنا که در این مکان و زمان هیچ دیگری مردانه‌ای در جستجوی لذت جسمی و جنسی نیست و همه حاضران در قالب اجتماع مذهبی واحد در پی معنویت هستند. بنابراین، بدن زنانه که در زندگی روزمره به عنوان ابژه جنسی و شهوانی فهم و لذتی مردانه از تماس با آن جستجو می‌شده است، در تفسیر مکان و زمان تجربه به مثابه امری مقدس، تعلیق شده و بهم ریختگی نظم و فاصله میان بدن‌های زنانه و مردانه پذیرفته و یا دست کم تحمل می‌شود.

به طور کلی، زائران زن از تجربه بهم ریختگی فاصله گذاری میان بدن زنانه خود با بدن دیگری مردانه روایت‌های متفاوتی دارند و حذف این فاصله بر طیفی از احساس گناه تا تعرض اجتماعی تفسیر می‌شود. نزد برخی تماس میان بدن زنانه و مردانه در قالب مفهوم گناه و به واسطه آموزه‌های دینی مبنی بر نهی تماس میان بدن دو جنس تفسیر می‌شود؛ در حالی که نزد برخی دیگر، حذف این فاصله بیشتر در قالب احتمال تعرض اجتماعی فهم می‌شود. اما تنش تجربه شده به علت برداشته شدن فاصله میان بدن خود زنانه و دیگری مردانه، یکی با معناسازی به واسطه نهاد روحانیت و در شبیه سازی میان مراسم اربعین با مراسم حج و دیگری،

به واسطه فهم توده‌ای از تقدس مکان و زمان توجیه و تفسیر می‌شود.

از سوژگی زنانه در تاریخ تا گذر از ابژگی روزمره

در تفسیرهای موجود در اسلام، به‌ویژه در فقه شیعه، زن از نظر ارزش‌های انسانی هم‌مرتبه با مرد توصیف می‌شود؛ با این حال میان‌ذهنیت جامعه ایرانی را نمی‌توان خالی از تفاوت، نابرابری و حتی تبعیض میان زن و مرد دانست؛ به‌طوری که مطالعات زیادی نیز به بررسی این انگاره ذهنی و غالب در میان‌ذهنیت جامعه ایرانی پرداخته‌اند. با بازگشت به این انگاره غالب به‌عنوان بستر و زمینه تجربه زنانگی و زن بودن، در روایت زائران نگاهی انتقادی و حتی اعتراضی پنهان به این فهم از زنانگی می‌توان یافت که در فرایند ساخت‌شکنی از زنانگی تحمیل شده و ساخت دوباره آن با الگوگیری از حضرت زینب (س) برجسته است. در میان‌ذهنیت جامعه مذهبی ایرانی، از حضرت زینب (س) به‌عنوان زنی شجاع و دارای شخصیتی تأثیرگذار در تاریخ اسلام و به‌ویژه تشیع یاد می‌شود. در ادبیات جامعه‌شناسانه از چنین تصویر بازنمایی شده از زنانگی فعال، می‌توان به‌عنوان یک سوژگی زنانه یاد کرد؛ به‌طوری که زن زائر ایرانی، با تأسی به این سوژگی مشروع، در فرایند ساخت‌شکنی از استریوتیپ‌های جنسیتی زنانه تعریف و تحمیل شده و ساخت دوباره خود، تصویر خود زنانه‌اش را در شبیه‌سازی با این سوژه بازنمایی می‌کند.

نکته مهم در بازنمایی زنانگی مطلوب نزد برخی زنان زائر، عدم‌پذیرش خود به‌مثابه ابژه، یعنی منفعل و قرارگرفته ذیل سرپرستی و مراقبت دیگری مردانه است. مقاومت و پس زدن تعریف‌های کلیشه‌ای از زن و زنانگی و تأیید سوژگی زنانه در طیفی از تجربه‌های این زنان از انجام سفرهای انفرادی، گردش آزادانه و بدون محدودیت زمانی و مکانی در کشوری بیگانه از نظر زبانی و فرهنگی و حتی شناخته‌شده به‌عنوان دشمن در حافظه تاریخی و اسکان در خانه‌های میزبانان عراقی، تا تأکید بر کار روی خود و خودسازی با هدف تمرین تحمل مشکلات زندگی روزمره و یا آماده شدن برای زندگی در جامعه آرمانی وعده داده شده به

شیعه دیده می شود. بنابراین، سوژگی زنانه در شبیه سازی و هم ذات پنداری با تاریخ دردآلود شیعه، در دو قالب روایت می شود؛ نخست، سوژگی که با اتکا به یک الگوی زنانه تلاش می کند تا با ساخت شکنی از استریوتیپ های جنسیتی بر ساخت شده از زن به عنوان ابژه منفعل، تصویری از زنانگی فعال را در زندگی روزمره از خود به نمایش گذارد و دوم، سوژگی که با ساخت شکنی از همین استریوتیپ های زنانه، خود را به مثابه سوژه ای در حال خودسازی و تمرین برای آمادگی و کمک به جامعه آرمانی با حضور امام عصر (عج) بازنمایی می کند که همچون همه دیگر عرصه ها، زنان در آن حضور به مراتب کم رنگ تری از مردان دارند. یکی از راهکارهای زنان زائر برای قرار دادن خود فردی شان در موقعیت سوژگی، شبیه سازی تجربه خود در پیاده روی اربعین با واقعه کربلا و هم ذات پنداری با رنج و دشواری های اسارت خاندان امام است. این شبیه سازی تاریخی و هم ذات پنداری عاطفی و احساسی سه برهه از زمان، یعنی گذشته مصیبت بار تاریخی، اکنون و ملال و سختی های زندگی روزمره و آینده آرمانی و وعده داده شده را به هم پیوند می دهد.

«امشب رفتم زیارت و دستان راحت به ضریح هم رسید. حس عجیبی داشتم نمی توانم بگویم چه حسی، اما حس خوبی بود. آرامش خاصی داشتم. فهمیدم (خانواده امام) چه سختی هایی کشیدند. با خود می گویم وقتی آن ها آن همه سختی کشیدند ما چرا نکشیم... حضرت فاطمه و حضرت زینب بیشتر از ما سختی کشیده اند. به زن بودن خودم می بالم، می گویم محکم هستم. نمی توانم مثل آن ها باشم اما سعی می کنم از آن ها زندگی کردن را یاد بگیرم» (زهره، ۳۲ ساله، بیوه، دارای یک فرزند، کارشناسی ارشد، شاغل، بانه (کردستان)).

و روایت زینب:

«نمی شود گفت مثل حضرت زینب اما می گویم من هم بروم در این مسیر. خودم را راضی می کنم که در این مسیر پا بگذارم. وقتی مشکلات حضرت زینب را می فهمیم که او چطور زندگی کرده است، در برابر مشکلات زندگی خودت را نگه می داری که عز و جز نکنی. اینجا از یک چیزهایی باید بگذری که بعداً لذتش را ببری و می گویی

خدایا شکرت که توانستم این کار را بکنم. زیاد غیظ کردن و اینکه چرا اینجوری هست را باید از خود دور کنی. این بهتر است و باید با عمل نشان دهی» (زینب، ۴۹ ساله، متأهل، دارای سه فرزند، زیر دیپلم، خانه‌دار، کرمانشاه).

و روایت مهدیه:

«اولین بار فقط برای زیارت آمدم. دوست داشتم امام را زیارت کنم. اما از سه سال پیش به بعد اربعین برایم یک رزمایش و تمرین بود که بتوانم برای امام زمان و ظهورش خود را آماده کنم. اگر کم بیارم موقع ظهور هم درجا می‌زنم. تحت هیچ شرایطی با هر مشکلی نباید اینجا کم بیارم. هر بار خودش سرمشق و تمرین برای آمادگی می‌دهد. الان حاجت‌هایم در مورد ظهور است. می‌خواهم هر مشکلی که برای ظهور دارم به من بشناسند و راهکار را نشان دهند» (مهدیه، ۲۸ ساله، متأهل، دارای دو فرزند، کارشناسی، خانه‌دار، تهران).

سختی‌ها و دشواری‌های تجربه شده خانواده امام در واقعه عاشورا و پس از اسارت، برای زن زائر نقطه آغازِ فرا رفتن از اکنون به گذشته‌ای مصیبت‌بار و همچنین، به آینده و جامعه آرمانی وعده داده شده‌ای است که هر دو نقش محوری در موجودیت و هویت‌یابی شیعه دارند. زائر در مسیر پیاده‌روی با شبیه‌سازی میان سختی‌های متحمل شده در میر زیارت با دشواری‌های خاندان امام (ع) در واقعه کربلا و پس از اسارت و با تأکید بر ناچیز بودن رنج خودخواسته در برابر مشقت تحمیل شده به خانواده امام، این رنج را مقدمه و نقطه‌ی شروع سیر و سفر خود در سه بعد زمانی، جغرافیایی و درونی تفسیر می‌کند.

خوانش زنانه از مسیر تاریخی زن شیعه و به دنبال آن پیاده‌سازی این خوانش در بعد درونی و کار روی خود زنانه، در واقع، در تقابل با زنانگی مطلوبِ بازنمایی شده در گفتمان غالب و رسمی جامعه ایرانی قابل فهم است. تصویر زنانگی و زن ایدئال در خوانش رسمی از فقه شیعه، زنی «ظریف و شکننده» است که نیاز به مراقبت و سرپرستی داشته و ویژگی‌های زنانگی مطلوب در دو گانه‌های مردانه زنانه‌ای همچون مدیر/مدیریت شونده، مستقل/وابسته،

رهبر/ پیرو، حمایت کننده/ حمایت شونده و... بر ساخت و تعریف می شود (Karami 241-262 : Ghehi and Khazaei, 2020)؛ در حالی که روایت واقعه کربلا و کنش های حضرت زینب (س) سازگاری با زنانگی گلخانه ای بر ساخت شده در این گفتمان ندارد. بنابراین، در حالی که تصویر بازنمایی شده از زن ایدئال در زندگی روزمره، زنی وابسته به دیگری، ضعیف و نیازمند مدیریت و سرپرستی از سوی دیگری مردانه است؛ زنانگی مطلوب بازنمایانده شده در حافظه تاریخی شیعه، به ویژه در هم ذت پنداری با حضرت زینب (س)، تصویر زنی است که نه ظریف و شکننده که استوار، قوی، مدیر و مستقل است. به گفته دیگر، تصویری که از زنانگی حاضر در کربلا و واقعه عاشورا به واسطه حافظه تاریخی شیعی بازنمایی می شود، زنی است که استریوتیپ های جنسیتی زنانه را در هم می شکند و این زنانگی دربردارنده همان مؤلفه هایی است که زن زائر در زندگی روزمره خود، در رویارویی با تنوع و تکرار انتخاب ها و مسیرها، و فقدان اطمینان و ثبات، به آن نیاز دارد. در واقع، تجربه زن ایرانی در اکنون جامعه ایرانی به دنبال تغییرات گسترده و شتابان جامعه ایرانی، تجربه کمبود و فقدان نهادهای حمایت کننده سنتی است که زن را به سوی فردگرایی و کار روی خود فردی به وسیله مؤلفه های مورد بازاندیشی قرار گرفته سوق می دهد که نزد زن زائر، پیاده روی اربعین به مثابه فرصتی برای کار روی خود و بازاندیشی در خود زنانه فهم می شود. دیگر چشم انداز فهم تجربه سوژگی نزد زن زائر، در بعد زمانی، در توجه به آینده و جامعه آرمانی وعده داده شده به شیعه و همچنان به واسطه کار روی خود زنانه قابل فهم است. بر اساس روایت ها، زن زائر با شبیه سازی میان مشقت و سختی های آیین پیاده روی اربعین با سختی های روایت شده در مورد زمانه ظهور، فرصت پیاده روی را به مانند میدانی برای تمرین و آمادگی برای ظهور امام عصر (عج) و برقراری «حکومت عدل الهی» و جامعه آرمانی وعده داده شده به شیعه تفسیر می کند؛ و در حالی که، همچون همه روایت های شیعی، جایگاه و نقش زنان در رویدادهای تاریخی گذشته و آینده شیعه، حاشیه ای زنانه بر متن مردانه است، پیاده روی اربعین به مثابه امکانی فهم می شود که می بایست برای حضور در کنار امام زمان

خود در قالب نقشی فعال و در متن آماده گردد.

به‌طور کلی، کلان روایت شیعی خواه آنجا که به روایت گذشته می‌پردازد و خواه آنجا که تصویری از آینده ترسیم می‌کند، روایتی مردانه است. این در حالی است که زن زائر، با فهم خود در قالب سوژه و کنشگری فعال، تلاش می‌کند تا تجربه خاص خود را از این حضور خلق کرده و فهمی پویا از حضور خود در این آیین جمعی بر سازد؛ و از همین رو، زن زائر سوژگی زنانه خود را در بازگشت به تصویر بازنمایی شده از حضرت زینب (س) در واقعه عاشورا و رویدادهای پس از آن، در قالبی زنده، پویا و در نقد استریوتیپ‌های جنسیتی زنانه مشروعیت می‌بخشد. واقعیت آن است که زن زائر با الگوسازی از تصویر بازنمایی شده از زنانگی در واقعه عاشورا، سوژگی زنانه خود را مشروعیت بخشیده و برای ساخت‌شکنی از تصویر برساخت شده از زنانگی شکننده و ظریف مورد انتظار در زندگی روزمره از سوی گفتمان رسمی جامعه ایرانی، احساس قدرت می‌کند.

اشراق معنوی زائر و تغییر رفتار از خودخواهانه و عادت‌ی به دگرخواهانه

رفتار مناسبی در آیین‌های مذهبی، رفتارهایی متفاوت از رفتارها و عادت‌های روزمره تعریف می‌شوند. تجربه تغییر رفتار از رفتارهای فردگرایانه، خودمحور و عادت‌ی به دگرخواهانه، جمع‌گرایانه و سازگارانه با شرایط یکی دیگر از تجربه‌های روایت‌شده از سوی زنان زائر است. از زائر به‌عنوان مسافری در جستجوی معنویت، انتظار می‌رود تا رفتار و کنش‌های متناسب و سازگار با جایگاه یک زائر خوب و در شأن یک اجتماع مقدس مذهبی داشته باشد. تغییر رفتاری در قالب ظهور رفتارهای دگرخواهانه و جمع‌گرایانه، بر اساس روایت زائران، نزد میزبانان عراقی به صورتی آرمانی، ناب و غیرقابل باور دیده می‌شود که خود یکی از عوامل برانگیزاننده زائران ایرانی برای تجربه حضور یا تکرار حضور در این آیین است. به‌طور کلی، تغییر رفتار زن زائر در فرایند شدن، کار روی خود و فرارفتن از خود روزمره با نزدیک شدن به خودی آرمانی قابل فهم است.

«خیلی ها می روند در دستشویی را باز می کنند و می بینند کثیف هست می بندند و می روند کنار. اما من تعریف از خود نباشد می روم و تمیز می کنم که کسی بعد از من هم می رود تمیز باشد. میگم این چه کاری است که می کنید! ما زوار امام حسین هستیم با زوار دیگر فرق می کنیم... این حس هست که از خودت بگذری برای دیگران. صدقه فقط پول نیست... (به دیگران کمک کردن است). آن چیزی که در توانم هست را انجام می دهم» (زینب، ۴۹ ساله، متأهل، دارای سه فرزند، زیر دیپلم، خانه دار، کرمانشاه).

و روایتی با مضمون سازگاری رفتاری زائر:

«من در خانه بالشتم جابه جا شود خوابم نمی برد. پتو و تشکم باید مخصوص باشد تا خوابم ببرد. اما اینجا راحت با همه چیز کنار می آیم و برای خودم هم باور کردنی نیست» (منظر، ۳۶ ساله، متأهل، دارای یک فرزند، کارشناسی، خانه دار، اصفهان).

تغییر رفتاری مورد انتظار از زائر اربعین شاید در کلیت خود شبیه رفتارهای مورد انتظار از زائران دیگر مکان های مقدس باشد؛ اما دارای خاص بودگی هایی نیز هست که برآمده از شبیه سازی و هم ذات پنداری با مشقت ها و سختی های امام و خاندانش در واقعه عاشورا و پس از آن، به ویژه در جریان اسارت خاندان امام است. بر اساس چنین خاص بودگی هایی است که از یک زائر خوب اربعین انتظار می رود رفتارهای متفاوت تری در مقایسه با زائر دیگر مکان های مقدس داشته باشد. زائر اربعین بودن به معنای قرارگیری در آزمون سختی ها و مشقت ها و همه آن چیزی فهم می شود که در شرایط عادی زندگی قابل تحمل نیست. حضور فرد در تلاقی زمان و مکان مقدس می بایست به تغییر در وجود و هستی فرد و فرا رفتن او از ارزش های زندگی روزمره و زندگی عادی منتهی شود و فرد وجود خود را به وسیله این ارزش ها غنی کند تا بتواند به معنویت و اشراق در سفر زیارتی دست یابد.

انتظار آن است که زائر اربعین با تحمل رنج محرومیت خودخواسته از بهره مندی از برخی امکانات رفاهی و بهداشتی که در دیگر سفرهای زیارتی در اختیار دارد، از جایگاه ابژه خدمت گذاری از سوی دیگری بودن فاصله گرفته و با قرار دادن خود در آزمون سختی ها به

کار روی خود در فرایند سوژگی پردازد. بنابراین، زائر خوب می‌بایست با قرارگیری در موقعیت سوژگی در جایگاه خود بازاندیشی کرده و به استقبال تجربه جدیدی از کار روی خود در آزمون سختی‌های پیاده‌روی اربعین برود؛ این در حالی است که این تغییر رفتاری و سازگاری با شرایط جدید به‌عنوان لذتی تازه و در نتیجه فرا رفتن از خود فردی در زندگی روزمره و تغییر عادات رفتاری نزد زائر به‌صورت امری معجزه‌وار درک و تجربه می‌شود. همچنین است پرهیز از رفتن به بازار و خرید سوغاتی و چگونگی و کیفیت دعای زائر که به‌عنوان رفتارهای مورد انتظار از یک زائر خوب در روایت زنان مورد گفت‌وگو به چشم می‌خورد

«نباید خود را سرگرم بازار کرد. دیروز زیاد بازار بودم و برگشتم عذاب وجدان داشتم. وقت زیادی به‌خاطر جماعت (گروه همراه) تلف شد...» (زینب، ۴۹ ساله، متأهل، دارای سه فرزند، زیر دیپلم، خانه‌دار، کرمانشاه).

و:

«می‌بینم وقتی دستان به ضریح می‌رسد کم می‌خواهیم امام زمان ظهور کند. بیشتر فکر خودمان هستیم و التماس دعای دیگران. دعای اول برای ظهور امام زمان نیست و این برای من جای سوال دارد» (فرزانه، ۲۷ ساله، مجرد، زیر دیپلم، بیکار، اهواز).

بازار رفتن، پرسه زدن و گشت و گذار برای خرید سوغاتی، رفتارهای فراغتی هستند که با رفتار مناسبی مورد انتظار از یک زائر اربعین هم‌خوانی ندارد. رفتارهای فراغتی دارای وجه سرگرم‌کننده و بازیگوشانه هستند و با هدف گذران وقت و یا دنبال کردن هدف‌های مادی و روزمره شناخته می‌شوند؛ در حالی که در زیارت پیاده‌اربعین در شبیه‌سازی تجربه زائر با مشقت‌ها و دشواری‌های خاندان امام پس از شهادت ایشان، سختی با رفتارهای فراغتی و سرگرم‌کننده ندارد و زائر در هم‌ذات‌پنداری و شبیه‌سازی هرچه بیشتر سفر زیارتی خود با واقعۀ کربلا، رفتارهای مورد انتظار از زائر خوب را رفتارهایی در نزدیکی هرچه بیشتر با این واقعۀ مصیبت‌بار تعریف و معناسازی می‌کند. چنین تغییر رفتاری، همچنین در رابطه با کیفیت

دعای زائر مورد انتظار است که می بایست بیش از هر چیزی معطوف به دعا برای ظهور امام عصر (عج) باشد. فهم غالب از دعای فرج در فرهنگ شیعی هم دعا برای انتقام و خونخواهی امام حسین (ع) است و هم تحقق حکومت عدل الهی و بازگرداندن جایگاه واقعی شیعه در جهان به این اقلیت که همیشه در حاشیه و رنج بوده است. و از همین رو، انتظار می رود تا دعا‌های زائر اربعین نیز بازنمایاننده هدف‌ها و درخواست‌های نمادین و آینده‌نگر شیعه باشد. بنابراین، همذات‌پنداری با واقعه عاشورا و رخداد‌های پس از آن، بستری است برای تغییرات رفتاری مورد انتظار از زائر اربعین با انجام رفتارهای دیگرخواهانه و جمع‌گرایانه و فاصله‌گیری از رفتارهای عادی، و همچنین، پرهیز از رفتارهای فراغتی و بازی‌گوشانه که در آن فرد از خود روزمره و فردی‌اش دور شده و خود را در مسیر شدنی تازه قرار دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

پیاده روی اربعین به عنوان بزرگ‌ترین اجتماع مذهبی شیعی پدیده‌ای نوظهور است و با داشتن ابعاد گوناگون و پیامدهای گسترده در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، می تواند موضوع مطالعه رشته‌های مختلف علمی تعریف شود. در این پژوهش، زیارت پیاده اربعین به عنوان دریچه‌ای جامعه‌شناختی برای شناخت تجربه زائر اربعین در نظر گرفته می شود. روایت، تجربه و صدای زنانه در زیارت پیاده اربعین مورد پژوهش مستقل قرار نگرفته است و در نتیجه، روایت زنانه از زیارت پیاده اربعین به حاشیه رانده شده و ذیل کلان‌روایت‌های رسمی و مردانه نادیده گرفته شده است. بنابراین، موضوع این پژوهش، مطالعه روایت‌های زنانه از تجربه زیارت پیاده اربعین به عنوان یک تجربه اجتماعی است. به طور مشخص تر، در این نوشتار پژوهشی، راه‌پیمایی اربعین دریچه‌ای جامعه‌شناختی است که از منظر آن تلاش می شود تا تجربه زن زائر در موقعیت زیارت پیاده اربعین مورد مطالعه قرار گیرد. بنابراین، هدف این پژوهش شناخت و فهم معناها، تفاسیر، انگیزه‌ها، دلایل و به طور کلی، ذهنیت زن زائر به عنوان سوژه بازاندیش به واسطه مطالعه تجربه فرد در زیارت پیاده اربعین است.

در فرهنگ تشیع، زیارت اماکن مقدس به‌عنوان منسکی مذهبی از فاصله مکانی نیز ممکن است؛ با این حال، سفر فیزیکی از جمله وجوه مهم زیارت است. هرچند در سفر زیارتی مکان و محل دارای اصالت و امری عینی و بیرونی است، اما مکان‌های زیارتی زاده تجربه افراد هستند؛ در این معنا داستان‌هایی که مردم در مورد مکان‌های زیارتی تعریف می‌کنند و فعالیت‌هایی که در این مکان‌ها انجام می‌دهند، به مکان‌ها معنا بخشیده و آن‌ها را از دیگر مکان‌ها متمایز می‌کند. بنابراین، فهم و تفسیر تجربه زائران مکان‌های مقدس و زیارتی دارای اهمیت پژوهشی و جامعه‌شناختی است. فرضیه این پژوهش آن است که زن زائر با قرارگیری در موقعیت تجربه زیارت پیاده اربعین، در نقش سوژه بازاندیش و در فرایند سوژگی، به بازاندیشی انتقادی نسبت به خود فردی، دیگری‌ها و زیست جهان اجتماعی می‌پردازد. از همین‌رو، با هدف شناخت تجربه زن زائر، با طراحی راهنمای پرسشنامه در قالب دو دسته پرسش زمینه‌ای و مضمونی، گفت‌وگوهای عمیق و نیم‌ساختاریافته‌ای با ۲۵ زائر زن ۲۲-۶۸ سال، در مسیر پیاده‌روی و در یکی از موبک‌های گذری در میانه مسیر پیاده‌روی نجف به کربلا انجام و یافته‌های به‌دست آمده از میدان پژوهش به شیوه تحلیل مضمونی مورد مطالعه قرار گرفت.

پیاده‌روی اربعین به مثابه پدیده‌ای اجتماعی و نوظهور، میدانی متکثر است و این تکثر ریشه در فهم‌ها و معناهای متکثر زائران از تجربه فردی‌شان از تجربه این آیین به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی دارد. تجربه اجتماعی در ماهیت خود امری چندلایه و پیچیده است که از بخش‌های ناهمگون و متناقض تشکیل شده و فاقد یکپارچگی است. بنابراین، تجربه زیارتی فرد هم‌زمان با برخورداری از یک تکثر بیرونی به معنای فردی بودن تجربه، دارای لایه‌های درونی، پیچیده و ناشناخته است و برای فهم تجربه زائر می‌بایست کلیت آن، یعنی هم پیچیدگی‌های درونی و هم تکثر بیرونی آن مورد مطالعه قرار گیرد. به‌طور کلی، مطالعه روایت‌های زائران از تجربه‌شان در زیارت پیاده اربعین، دربرگیرنده پنج مضمون ملال روزمره و رهایی از دلزدگی‌ها، رنج مقدس و خودخواسته، حافظه تاریخی جنگ و سیالیت معنای بدن، از

سوژگی زنانه در تاریخ تا گذر از ابژگی روزمره، اشراق معنوی زائر و تغییر رفتار از خودخواهانه و عادت‌ی به دگرخواهانه است.

به طور کلی، تجربه زنان ایرانی در زیارت پیاده اربعین در قالب فرایند ساخت خود در گریز از فضای رسمی به فضای غیررسمی قابل فهم است. شرکت در راه‌پیمایی اربعین، با گسست موقت از جریان زندگی عادی و روزمره همراه است و غیبت زن از نقش‌های مادرانه و همسرانه‌اش را مشروعیت می‌بخشد. در واقع، زن زائر سوژگی زنانه و ساخت خود را در دیالکتیکی میان فضای رسمی و فضای غیررسمی بر می‌سازد. فضای رسمی فضای زندگی روزمره است، فضای سلسله‌مراتب‌ها، انتظارات و نقش‌های از پیش تعریف‌شده، روابط اجتماعی منطقی و حساب‌گرانه، رفتارهای فردگرایانه و فضای کنترل و مراقبت. فضای غیررسمی فضای گریز و رها شدن از بایدها و مراقبت و کنترل فضای رسمی است، فضای فرو ریختن نظم‌های سلسله‌مراتبی، فرار از روال عادی زندگی روزمره، فضای روابط ناب و کیمیا بدون احتساب سود و زیان یا به عبارتی رفتارهای دگرخواهانه. فضای غیررسمی در مراسم اربعین در تمایز با فضاهای غیررسمی فراغت‌گونه، نه فضای لذت که فضای رنجی خودخواسته و پاک کردن خود از ناپاکی‌ها پیش از رسیدن به مقصد و همچنین، تجربه لذتی عرفانی است. فضای غیررسمی فضایی است که به زائر امکان متفاوت بودن از خود واقعی‌اش در زندگی فضای رسمی را می‌دهد. به نظر می‌رسد فضای غیررسمی مراسم اربعین، رفتارهای دگرخواهانه و تعلیق موقت رفتارهای فردگرایانه را توجیه می‌کند. زن زائر با شرکت در راه‌پیمایی اربعین با غیبتی مشروع از فضای رسمی زندگی عادی و عدم حضور در نقش‌های جنستی روزمره و مورد انتظار، خود را در موقعیت تجربه فضایی غیررسمی قرار می‌دهد. در این فضای غیررسمی فرد با همذات‌پنداری با تاریخ رنج‌آلود شیعه و شبیه‌سازی آن با روزمرگی و دشواری‌های زندگی مدرن با مشروعیت جستن از سوژگی زنانه در تاریخ شیعه به تمرین ساخت خود با هدف آمادگی برای تحقق جامعه آرمانی موعود می‌پردازد. به طور کلی، هرچند همان‌گونه که گفته شد پژوهشی با رویکرد تفسیری و کنشگرمحور و

همچنین، متمرکز بر روایت زنانه از زیارت پیاده اربعین، در ادبیات پژوهشی مرتبط با این موضوع انجام نشده است، اما برخی مضامین و یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های کاشی (۱۳۹۵) با عنوان «زیارت اربعین: اقتدار یک‌دست شیعه یا تکثر دین عامه»^۱، رضوی زاده (۱۳۹۷) «دعوت شده‌ام به زیارت رنج آلود؛ ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین، آذر ۱۳۹۳، عراق)» و کاهیرده (۱۳۹۸) «ظهور پررنگ وجه عرفانی دین در مناسک اربعین»^۲ تا حدودی قابل مقایسه است. در پژوهش نخست، نویسنده تکثر و تنوع در راه‌پیمایی اربعین را مورد تأکید قرار داده و به نقد خوانش‌های رسمی و صورت‌بندی‌های کلان از این واقعیت اجتماعی پرداخته است که به یک‌دست کردن و نادیده گرفتن تکثرها و وجه خودانگیخته، هنجارساز و منعطف این پدیده اجتماعی گرایش دارند و همچنین، این منسک، را نمایشی از برهم خوردن سلسله‌مراتب، محدودیت‌ها و عادات زندگی روزمره معرفی کرده است. در پژوهش دوم که با هدف درک انگیزه‌ها و ادراک‌های زائران پیاده‌روی اربعین انجام شده است مضامینی چون تعلیق نظم سلسله‌مراتبی و برهم خوردگی نظم اجتماعی روزمره، رنج مقدس و بازسازی تجربه تاریخ رنج آلود شیعی و در پژوهش سوم، معرفی سختی‌ها و رنج‌های متحمل شده در پیاده‌روی اربعین توسط زائر به مثابه بخشی از عمل مومنانه و فرایندی به‌سوی پاکی و رهایی زائر از آلودگی‌ها و خالص شدن، نزدیک به یافته‌های پژوهش پیش‌رو است.

مهمترین محدودیت پژوهش در میدان آیین پیاده‌روی اربعین، انتخاب مکان و زمان مناسب برای گفت‌وگو با زائران زن بود؛ چرا که با وجود دسترسی‌پذیری بالا به جمعیت مورد پژوهش، نمی‌بایست انجام گفت‌وگو مزاحمتی برای زائران ایجاد کند. چندین امکان برای تعریف شرایط انجام مصاحبه وجود داشت، نخست انتخاب از بین انجام مصاحبه در مسیر و هم‌زمان با پیاده‌روی و یا در موبک و هنگام استراحت زائران. دوم، انتخاب موبک از بین

1 <http://www.socio-shia.com/index.php/sociology-of-shia-fields/shia-ziarat/244-ziarate-arbaein> (۱۳۹۹/۱۰/۹)

2 <http://anthropology.ir/article/30571.html> (۱۳۹۸/۱۱/۸)

موکب های گذری و بیتوته و سوم، انتخاب محل موکب از نظر قرار گیری در مسیر پیاده روی. بر پایه شناخت پیشینی از میدان پژوهش و با در نظر گرفتن محدودیت های موجود، مصاحبه گران در یکی از موکب های گذری ایرانی و خاص زنان در میانه راه نجف به کربلا مستقر شدند. استقرار در موکب های گذری امکان انجام مصاحبه با زائران بیشتری با تنوع قومیتی و فرهنگی را فراهم می کرد؛ به علاوه اینکه در موکب های گذری در میانه مسیر زیارتی امکان انجام مصاحبه با زائرانی کمتر خسته نسبت به موکب های انتهای مسیر و با تجربه بیشتر نسبت به موکب های آغاز مسیر وجود داشت؛ علاوه بر آنکه موکب های گذری برای سپری کردن استراحت های کوتاه مدت و به دنبال خستگی های چند ساعت است و در نتیجه، امکان گفت و گو با زائرانی کمتر خسته را فراهم می کرد که از نظر اخلاقی نیز با معذوریت کمتری برای مصاحبه گران همراه بود.

سپاس گذاری

نگارش این مقاله مرهون همکاری اولیه آقای عباس جنگ و انجام مصاحبه ها توسط خانم ها مریم محبی و معصومه محبی است. همچنین از خانم دکتر طاهره خزائی برای ویرایش علمی متن و از زائران ایرانی برای انجام مصاحبه سپاس گذاری می شود.

منابع

- Adib Hajbagher, M., Parvizi, S., & Salsali, M., (2007). *Qualitative research methods*. Tehran: Boshra. [in Persian]
- Bayat M. H. (2018). "The Ritual of Hussaini Arbaeen, the Connectivity of The World of Ashoura and the Resurrection of Mahdi (pbut) in the Historical Accounts and Narratives". in *A Research on the Arbaeen Studies*, by Abbas Ashrafi and Ali Sharifi (Eds). Tehran: Publishing Center of University of Allameh Tabataba'i, pp. 105-120. [in Persian]
- Becker. H. S. (2002). *Outsiders. Études de sociologie de la déviance*. Paris: Éditions Métailié.
- Bertucci. M-M. (2009). « Place de la réflexivité dans les sciences humaines et sociales : quelques jalons ». *Cahiers de sociolinguistique*. 1 (14) : 43-55.

- Blaikie. N. W. H. (2000). *Designing Social Research: the Logic of Anticipation*. Translated into Persian by Hassan Chavoshian. Tehran: Ney Publication.
- Boudon.R. and Bourricaud. F. (1982). Dictionnaire critique de la sociologie. Translated into Persian by Abdolhossein Nikgozar. Tehran: Farhang-e-Moasser.
- Creswell. J. W. (2017). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Approaches* (2nd ed). Translated into Persian by Hassan Danaeifard and Hossein Kazemi. Tehran: Saffar Publication.
- de Certeau, M. (2001). L'Etranger. Etudes. 394(4) : 491-495. (<https://www.cairn.info/revue-etudes-2001-4-page-491.htm>)
- Detrez. C. (2002). La construction sociale du corps. Paris : Seuil.
- Dubet. F. (1994). Sociologie de l'expérience. Paris : Seuil.
- Ehrenberg, A. (1998). *La fatigue d'être soi: dépression et société*. Odile Jacob.
- Ehrenberg. A. (1995). *L'individu incertain*. Paris : Calmann-Lévy.
- Ehrenberg. A. (1991). *Le culte de la performance*. Paris : Calmann-Lévy.
- Fazel Mohammmd (2007), *The Analysis of the Historical Grounds for Hussaini Arbaeen*, Revagh-e-Andisheh, n1, [in Persian]
- Giddens. A. (1992). *The Transformation of Intimacy (Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies)*. Stanford University Press.
- Hamedani. A. (2008). "The necessity of the Arbaeen debate". *Kheymeh*. n 49 and 50. [in Persian]
- Hariri. N. (2006). *Principles and Methods of Qualitative Research*, Tehran: Science and Research Branch, Islamic Azad University Publication. [in Persian]
- Hérichon. E. (1969). « Erich Fromm, Société aliénée et société saine: du capitalisme au socialisme humaniste: psychanalyse de la société contemporaine ». *L'Homme et la société*. 11(1): 230-233.
- Heydari. E. (2002). *The Tragedy of Karbala: The Sociological Study of the Shiite Discourse*. Translated into Persian by Ali Maamouri and Mohammad javad Maamouri. Qom: Dar-ul Ketab Al-Islami.
- Hessam Mazaheri. M. (2018). "Iranian Arbaeen: The Exponential Growth in the Number of Iranians Going to Arbaeen Walk: Reasons and Consequences". in *Arbaeen Walk: Sociological Contemplations*, by Mohsen Hessam Mazaheri (Ed.). Tehran: Arma Publication. pp: 199-240. [in Persian]

- Javadi Amoli. A (2010). "What is the Philosophy behind Celebrating Arbaeen?". *Ofogh-e-Hoezh*, n 297. [in Persian]
- Jafarian. R. (2009). "What is the reason for celebrating Arbaeen?". *Maaref*. 73. [in Persian]
- Kahirdeh. N. (2020). *The Meaningful Presence of Mysticism in the Arbaeen Ritual*, Anthropology and Culture. accessed on Feb. 2020 from <http://anthropology.ir/article/30571.html>. [in Persian]
- Karami Ghahi. M.T and Khazaei. T. (2019). "Construction of femininity in women Osoolgara discourse formations, tactics and mechanisms of discourse". *Quarterly Journal of Women & Society*. 10 (38): 241-262. [in Persian]
- Kashi. S. (2021). *Arabaeen Pilgrimage: the Authority of Shiite or and Diversity of Public Religion*, Sociology of Shiism. accessed on Jan 2021 from <http://www.socio-shia.com/index.php/sociology-of-shia-fields/shia-ziarat/244-ziarate-arbaein>. [in Persian]
- Martuccelli. D. et de Singly. F. (2012). *Les sociologies de l'individu*. Paris: Armand colin.
- Martuccelli. D. (2002). *Grammaire de l'individu*. Paris : Gallimard.
- Meissner .H (2019). *Butler Judith, A poststructuralist critique of feminism*. Translated into Persian by Reza Dehghani. Tehran: Naghd-e-Farhang.
- Merriam. S. (2015). *Qualitative Research: A Guide to Design and Implementation*. Translated into Persian by Noorallah Pasha. Tehran: Jameh-e-Moasser. [in Persian]
- Moufahim, M. (2013). "Religious gift giving: An ethnographic account of a Muslim pilgrimage". *Marketing Theory*. 13(4): 421–441.
- Ojaghloo. A. (2018). "The Ritual of Hussaini Arbaeen, the Connectivity of The World of Ashoura and the Resurrection of Mahdi (pbut) in the Historical Accounts and Narratives". in *A Research on the Arbaeen Studies*. by Abbas Ashrafi and Ali Sharifi (Eds). Tehran: Publishing Center of University of Allameh Tabataba'i, pp. 67-86. [in Persian]
- Pak nia. A. (2009). "Arbaeen Message in Arbaeen Pilgrimage". *Moballegghan*. n 124. [in Persian]
- Pak nia. A. (2004). "Arbaeen In the culture of Ahl-e-Bayt", *Moballegghan*. n 52. [in Persian]
- Paugam. S. (2010). Concepts, Dans *Les 100 mots de la sociologie*. Paris: Puf.
- Pooyafar. M. R. (2018). « On the Rout Astonished, within thyself Forworn». in *The Narrative of Arbaeen Walk, Anthropological and*

- Sociological Narrative of the Arbaeen Walk*, by Mohammad reza Javadi Yeganeh and Mohammad Roozkhosh. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication in Collaboration with Tehran Urban Research & Planning Center. pp: 239- 295. [in Persian]
- Ranjbar M. (2005), "Research on Arbaeen Hosseini". *Quarterly Journal of History in Research*. n 5. [in Persian]
- Razavizadeh. N. (2014). "Iranian on-foot Pilgrims' Lived Experience in Iraq". *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*. 6 (4): 595-631.[in Persian]
- Razavizadeh. N. (2018). "I'm Called for A Painful Pilgrimage: The Comprehension and Lived Experience of the Iranian on-foot Pilgrims in Iraq (Case of Arbaeen Walk, November 2014, Iraq)", in *Arbaeen Walk: Sociological Contemplations*, by Mohsen Hessam Mazaheri (Ed.). Tehran: Arma Publication. pp: 145-198. [in Persian]
- Sheikh-e-Toussi. (1986). *Edification* (vol. 6). Tehran: Dar-ul Ketab al-Islamiya. [in Persian]
- Shekarchi. A. (2018). "Hosts of Arbaeen" in *Arbaeen Walk: Sociological Contemplations*, by Mohsen Hessam Mazaheri (Ed.) Tehran: Arma Publication. [in Persian]
- Sherafat. N. (2019). "The Diary of the Karbala Walkers" in *The Narrative of Arbaeen Walk, Ethnographic and Sociological Narrative of the Arbaeen Walk*, by Mohammad reza Javadi Yeganeh and Mohammad Roozkhosh, Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication in Collaboration with Tehran Urban Research & Planning Center, pp: 13- 69. [in Persian]
- Sobhani nia. M.T. (2005). "A Research on Arbaeen Walk", *The Quarterly Journal of History in the Mirror of Research*. n 6. [in Persian]
- Soleimanieh. M. (2015). *Arbaeen: Social Perspective*. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication. [in Persian]
- Schutz, Alfred (2003), *L'étranger*. Paris: Allia.
- Tavakoli.Y. (2018). "Arbaeen, the New Engine of History and Human Society Working with Justice and Martyrdom", in *A Research on the Arbaeen Studies*, by Abbas Ashrafi and Ali Sharifi (Eds). Tehran: Publishing Center of University of Allameh Tabataba'i. pp. 131-150. [in Persian]
- Touraine. A. (1984). *Le retour de l'acteur*. Essai de sociologie. <http://bibliotheque.uqac.quebec.ca/index.htm>

- Zare Khoormizi. M. R. (2014). "Bloody Arbaeens: A Glance at some of the Bloody Attacks at Arbaeen Walks in the Modern Era". *Pilgrimage Culture*. n 19-20. [in Persian]
- Zokaei. M. S. (2020). *The Art of Conducting Qualitative Research, from Problematization to Authoring*. Tehran: Agah Publication. [in Persian]
- Zukerman. Ph. (2005). *Invitation to the Sociology of Religion*, Translated into Persian by Khashayar Deyhimi. Tehran: Loh-e-fekr Publication.